



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

موضوع:

## آثار سخاوت در زندگی انسان از دیدگاه اسلام

استاد راهنما:

سرکار خانم احمدی

استاد داور:

حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا راعی

پژوهشگر:

فاطمه فرنگی

تابستان ۱۳۹۴

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع : .....

که توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: فاطمه فرنگی

برای دریافت دانشنامه سطح دو (کارشناسی) تدوین شده است ، توسط هیأت داوران مورد

ارزیابی قرار گرفته و در تاریخ / / ۱۳۹ ، با کسب رتبه .....  
.....

پذیرفته شده است.

استاد راهنما: سرکار خانم احمدی

استاد داور: .....

مدرسه علمیه: .....

امضاء مدیر ومهر مدرسه



شورای عالی حوزه علمیه خواهران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

## تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

مدرسه علمیه نرجس خاتون (سلام الله علیها)

شهرستان اصفهان

موضوع:

## آثار سخاوت در زندگی انسان از دیدگاه اسلام

استاد راهنما:

سرکار خانم احمدی

استاد داور:

حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا راعی

پژوهشگر:

فاطمه فرنگی

تابستان ۱۳۹۴

## تقدیر و تشکر

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق را هم ساخت تا این پایان نامه را به پایان برسانم. از مدیریت محترمه حوزه، حاجیه خانم ناصری و استادان فرهیخته و فرزانه سرکارخانم زمانی، معاون پژوهش و سرکار خانم احمدی به عنوان استاد راهنما که همواره نگارنده را مورد لطف و محبت خود قرار داده اند، کمال تشکر را دارم.



## تقدیم به:

این پایان نامه را ضمن تشکر و سپاس بیکران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می نمایم به:

- محضر ارزشمند پدر و مادر عزیزم به خاطر همه ی تلاشهای محبت آمیز ی که در دوران مختلف زندگی ام انجام داده اند و با مهربانی چگونه زیستن را به من آموخته اند.
- به همسر مهربانم که در تمام طول تحصیل همراه و همگام من بوده است.
- به استادان فرزانه و فرهیخته ای که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نمودند.
- به آنان که در راه کسب دانش راهنمایم بودند.
- به آنان که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان بدرقه ی راهم بود.

## چکیده

در آموزه‌های عقلانی و وحیانی، فضایل اخلاقی از جایگاه بالایی برخوردار است. از جمله این صفات می‌توان به صفت بخشندگی و سخاوت اشاره کرد. وجود این صفت در انسان موجب می‌شود تا ارتباط انسانی از استحکام و استواری بیشتر و بهتری برخوردار شود. و گاهی این سوال به ذهن خطور می‌کند که رویکرد اسلام نسبت به آثار سخاوت چیست؟ می‌توان این طور پاسخ داد که در آموزه‌های قرآنی مسئله سخاوت و بخشندگی در اشکال گوناگونی چون احسان، ایثار، عفو و بخشش، گذشت و انفاق و مانند آن مورد توجه است؛ چرا که انسان از منظر اسلام زمانی به بالاترین درجه کمال می‌رسد که دارای اخلاقی پسندیده باشد. زیرا مقام انسان از منظر قرآن، مقام خلافت الهی است. این مقام باتخلق به صفات حسناى الهی و رنگ خدایی گرفتن انسان به دست می‌آید و با رحمت و مودت و بخشش و سخاوت به دیگران معنا می‌یابد.

در کلام الهی زمانی انفاق و سخاوتمندی‌های هدفمند و با ارزش می‌شود که افراد جامعه قوانین و آدابی از جمله اخلاص، تقوا، تجرد از منت، اعتدال، بخشش از پاک‌ترین و بهترین قسمت مال و تسریع در انفاق را در انجام این عمل به کار برده باشند. که آثار دنیوی و اخروی از جمله: آسانی مشکلات، فزونی رزق و روزی، تکامل جامعه، وحدت و صمیمیت، کمند دوستی، آرامش روح و روان، امنیت در قیامت، نیل به رحمت الهی، سعادت ابدی، خروج از پناه الهی را برای شخص به ارمغان می‌آورد. از جمله یافته‌های این پژوهش می‌توان بیان نمود که راه‌های علمی، مزین شدن به این صفت تعلیم و تربیت و اندیشه و تفکر و تمرین و ممارست، توجه به این حقیقت که این اموال و ثروت‌ها، امانت‌های الهی در دست ماست و هیچ کدام دوام و بقایی ندارد، از جمله راه‌های عملی ایجاد این فضیلت اخلاقی، مطالعه تاریخ زندگی سخاوتمندان و بخیلان و مقایسه آن دو با یکدیگر و دانستن آثار زیانبار بخل و احترام و آبرو و شخصیتی که گروه اول داشتند و ذلت و بدنامی که دامنگیر گروه دوم بوده است نیز تربیت پدر و مادر و معلم و استاد در این زمینه می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** انفاق، جود، سخاوت، فضائل اخلاقی، زندگی انسان، عفو.

# فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ..... ۱

## بخش اول: کلیات و مفاهیم

### فصل اول: کلیات تحقیق

۱, ۱	تعریف و تبیین موضوع	۴
۱, ۲	اهمیت و ضرورت تحقیق	۴
۱, ۳	اهداف و فواید تحقیق	۵
۱, ۴	پیشینه موضوع تحقیق	۵
۱, ۵	سوالات تحقیق	۶
۱, ۶	فرضیه تحقیق	۶
۱, ۷	روش تحقیق	۶
۱, ۸	ساختار تحقیق	۷
۱, ۹	کلید واژه ها	۷
۱, ۱۰	محدودیتها و موانع تحقیق	۸

### فصل دوم: مفهوم شناسی

۲, ۱	مفهوم شناسی واژه سخاوت	۱۰
------	------------------------	----

۲,۲ .	واژگان مرتبط با واژه سخاوت .....	۱۱
۲,۲,۱ .	انفاق .....	۱۱
۲,۲,۲ .	عفو و صفح .....	۱۳
۲,۲,۳ .	جود .....	۱۴
۲,۲,۴ .	کرم .....	۱۵
۲,۲,۵ .	عدل .....	۱۶

## بخش دوم: سخاوت، آثار و راههای کسب آن

### فصل اول: چستی سخاوت

۱,۱ .	اهمیت و جایگاه سخاوت .....	۲۱
۱,۲ .	درجات سخاوتمندان از دیدگاه قرآن .....	۲۴
۱,۳ .	آداب سخاوت و انفاق .....	۲۶
۱,۳,۱ .	اخلاص .....	۲۶
۱,۳,۲ .	تقوا .....	۲۷
۱,۳,۳ .	تجرد از منّت .....	۲۷
۱,۳,۴ .	اعتدال .....	۲۷
۱,۳,۵ .	بخشش از پاک‌ترین و بهترین قسمت مال .....	۲۸
۱,۳,۶ .	تسریع در انفاق .....	۲۹

۱,۴	مصادیق سخاوت	۳۰
۱,۴,۱	بخشندگی مال	۳۰
۱,۴,۲	سخاوت در علم و هنر	۳۱
۱,۴,۳	سخاوت در قدرت و نفوذ	۳۱
۱,۴,۴	سخاوت در خیر خواهی	۳۲
۱,۴,۵	عفو	۳۲
۱,۴,۶	ایثار	۳۳
۱,۴,۷	مهمانی	۳۴
۱,۴,۸	بخشش نسبت به دشمنان	۳۵

## فصل دوم: آثار و راه های کسب سخاوت

۲,۱	آثار سخاوت	۳۹
۲,۱,۱	آثار دنیوی سخاوت	۳۹
۲,۱,۱,۱	آثار فردی سخاوت	۳۹
۱	آسانی مشکلات	۳۹
۲	فزونی رزق و روزی	۴۰
۳	آرامش روح و روان	۴۲
۴	از بین رفتن حس دنیا طلبی	۴۳

۵. سرکوب حسد درونی ..... ۴۶
۶. دور شدن از مضرات بخل ..... ۴۹
- ۲, ۱, ۱, ۲. آثار اجتماعی سخاوت ..... ۵۳
۱. سخاوت، کمند دوستی ..... ۵۳
۲. وحدت و صمیمیت ..... ۵۴
۳. تکامل جامعه ..... ۵۵
- ۲, ۱, ۲. آثار اخروی سخاوت ..... ۵۷
- ۲, ۱, ۲, ۱. امنیت در قیامت ..... ۵۷
- ۲, ۱, ۲, ۲. نیل به رحمت الهی ..... ۵۸
- ۲, ۱, ۲, ۳. سعادت ابدی ..... ۵۸
- ۲, ۱, ۲, ۴. آمرزش گناهان و نجات از جهنم ..... ۵۹
- ۲, ۲. راه های کسب سخاوت ..... ۶۰
- ۲, ۲, ۱. راههای علمی ..... ۶۰
- ۲, ۲, ۱. راههای عملی ..... ۶۱
- نتیجه گیری ..... ۶۳
- منابع و مآخذ ..... ۶۴

## مقدمه

یکی از عواملی که اسلام و قرآن مؤکداً عمل به آن را برای زنده ماندن امت اسلامی، جوان نمودن و پیشرفت و ارتقاء دادن آن لازم و ضروری می‌دانند، ایجاد روحیه سخاوت‌مندی در مومنان است. دین اسلام اهمیت زیادی نیز برای آن قائل شده و بدین منظور آیات و روایات بسیاری در فضیلت و ترغیب به این عمل وارد گردیده است و از آنها استفاده می‌شود که ای انسان! شما هر کدام مستقل نیستید، بلکه عضو یک جامعه می‌باشید، بنابراین باید منافع مجتمع اسلامی را بر منافع و لذات شخصی مقدم بدارید و آگاه باشید که سعادت حقیقی شما در اجرای این سیره است.

در قرآن مجید راجع به سخاوت فراوان تأکید شده و برای سخاوت‌مندان پاداش‌هایی بزرگ و ماندگار تعیین گردیده است. سخاوت و بخشش به عنوان عمل صالحی است که اگر مطابق دستور قرآن کریم انجام پذیرد، آثار دنیوی و اخروی بسیاری را به دنبال می‌آورد و همچنین جامعه اسلامی را همیشه به عنوان سیمایی مطلوب برای امت خود قلمداد نموده و باعث درونی شدن هر چه بهتر فرهنگ و ارزشهای اقتصادی اسلام در نهاد افراد می‌گردد. همچنین اصل سخاوت‌مندی به عنوان یک ارزش دینی است که اجتماع مورد نظر قرآن یعنی جامعه گرایش و ایمان آگاهانه و مسئولانه، جامعه اخلاص و عقیده به حقایق جهان هستی و جامعه قانون‌مدار و بشر دوستانه آن را نردبانی برای تقرب به سرچشمه جمال و کمال و زیباترین جلوه‌های عشق یعنی خداوند متعال (جل و علا) می‌داند.

از این رو در این نوشتار سعی شده است با استفاده از منابع موثق در دو بخش به تبیین واژه سخاوت و آثار آن و راه‌های ایجاد این روحیه در افراد اشاره شود تا اصل آن در نهاد افراد به خوبی وارد شده و اجرا گردد که با روش کتابخانه‌ای با تهیه برگه‌های پژوهشی و دسته‌بندی آن‌ها، بازنویسی مطالب از مقدمه و دو بخش و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است. در بخش اول به مبحث کلیات و مفهوم شناسی و در بخش دوم به چپستی سخاوت، و آثار و راه‌های کسب سخاوت اشاره شده است.

**بخش اول: کلیات و مفاهیم**

**فصل اول: کلیات تحقیق**

**فصل دوم: مفاهیم**



## فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱,۱. تعریف و تبیین موضوع
- ۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق
- ۱,۳. اهداف و فواید تحقیق
- ۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق
- ۱,۵. سوالات تحقیق
- ۱,۶. فرضیه تحقیق
- ۱,۷. روش تحقیق
- ۱,۸. ساختار تحقیق
- ۱,۹. واژگان کلیدی
- ۱,۱۰. محدودیتها و موانع تحقیق

## ۱,۱. تعریف و تبیین موضوع

سخاوت در اصطلاح دینی به ملکه‌ی بذل مال به مستحق، بدون درخواست سائل، به میزان شایسته، گفته می‌شود. سخاوت یک ملکه نفسانی است که خداوند در انسان‌ها به ودیعه نهاده است لذا به بخشش‌هایی که از عواطف انسانی ناشی شده، اطلاق می‌گردد.

سخاوت و بخشندگی از فضایل اخلاقی انسان است که آثار دنیوی و اخروی بسیار فراوان بر جای می‌گذارد. از جمله: آسانی مشکلات، فزونی رزق و روزی، تکامل جامعه، وحدت و صمیمیت، کمند دوستی، آرامش روح و روان، چون انسان همان گونه که دیگران را با کمک خویش به آسایش می‌رساند، با این کار سرور و شادی را برای خود به ارمغان می‌آورد و آرامش روحی و روانی را برای خود و آسایش را برای دیگران تحقق می‌بخشد.

همچنین موجب تکامل جامعه می‌شود زیرا با سخاوتمندی فاصله طبقاتی جامعه کم می‌شود و از این طریق ناهنجاریهای ناشی از فاصله طبقاتی را از بین می‌برد و یا کاهش می‌دهد. آتش کینه‌های محرومان را خاموش می‌کند و حس انتقامجویی را در آنان تضعیف می‌نماید و از این طریق پیوندهای اجتماعی را محکم و راه‌های تکامل جامعه را ایجاد می‌کند و از آن جایی که سخاوت اعظم اخلاق الهی است، کسی که به این صفت متصف باشد، در حقیقت مظهر اعظم اخلاق خدایی است و از آن جایی که قرب الهی به تجلیات صفات الهی در انسان و مظهریت آن‌ها تحقق می‌یابد، باید گفت که هر کسی مظهر اسماء و صفات الهی باشد، به خداوند نزدیک تر است.

## ۱,۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

در آموزه‌های عقلانی و وحیانی، فضایل اخلاق اجتماعی از جایگاه بلندی برخوردار است از جمله این صفات اخلاق انسانی می‌توان به صفت بخشندگی و سخاوت اشاره کرد. این صفت اخلاقی انسان

موجب می‌شود تا ارتباط انسانی از استحکام و استواری بیشتر و بهتری برخوردار شود. در آموزه‌های قرآنی مسئله بخشندگی در اشکال گوناگونی چون احسان و ایثار و عفو و بخشش و گذشت و انفاق و اطعام و مانند آن مورد توجه است؛ چرا که انسان از منظر اسلام که رنگ رستگاری را به خود می‌بیند انسان اخلاقی اجتماعی است؛ زیرا مقام انسان از منظر قرآن، مقام خلافت الهی است. این مقام با اکتساب به وجود آوردن به صفات حسنی الهی و رنگ خدایی گرفتن انسان به دست می‌آید و با رحمت و مودت و بخشش و سخاوت به دیگران معنا می‌یابد.

### **۱,۳. اهداف و فواید تحقیق**

#### **اهداف تحقیق:**

شناخت آثار دنیوی و اخروی سخاوت از قبیل: تکامل جامعه، کمند دوستی، آرامش روح و روان انسان، سعادت ابدی و نیل به سوی رحمت الهی که از نظر اسلام در زندگی انسان تأثیرگذار است و همچنین راه‌هایی که باعث کسب سخاوت می‌شود آشنا می‌شویم.

#### **فواید تحقیق:**

۱. شناخت مفهوم سخاوت، اهمیت و ضرورت آن.
۲. جمع‌آوری کردن یک طرح منسجم در مورد سخاوت و آثار آن.
۳. آشنا شدن با آثار سخاوت که باعث می‌شود انسان به سوی این فضیلت اخلاقی حرکت کند.

### **۱,۴. پیشینه موضوع تحقیق**

با جستجو و تفحص در کتاب‌ها، کتاب علم اخلاق اسلامی از مهدی نراقی، اخلاق در قرآن نوشته ناصر مکارم شیرازی، أطیب البیان فی تفسیر القرآن از عبدالحسین طیب به مبحث سخاوت و

سخاوت‌مندی پرداخته و این عالمان دینی از این موضوع غافل نبوده اند. اما هر یک از این کتب با اشکالاتی مواجه هستند از جمله میزان الحکمه اثر محمد محمدی ری شهری فقط به ذکر روایات پرداخته و کتاب اخلاق در قرآن نوشته ناصر مکارم شیرازی، اشاره مختصر به سخاوت و محدوده آن در آیات و روایات شده است و کتاب علم اخلاق اسلامی از مهدی نراقی متن آن به صورت قدیمی نگاشته شده است. لذا تحقیق حاضر با استفاده از این منابع و سایر منابع و مقالات دیگر سعی در گردآوری اکثر مطالب و ارائه آن با یک دسته بندی جدید، نموده است.

## **۱,۵. سوالات تحقیق**

سؤال اصلی:

رویکرد اسلام نسبت به آثار سخاوت در زندگی انسان چیست؟

سؤالات فرعی:

۱. سخاوت به چه معناست؟

۲. سخاوت در آیات و روایات چه جایگاهی دارد؟

۳. آثار دنیوی و اخروی سخاوت در زندگی انسان چیست؟

## **۱,۶. فرضیه تحقیق**

سخاوت از بهترین و والاترین فضائل اخلاقی است که در اسلام بسیار سفارش به آن شده و آثار فراوانی را در زندگی دنیوی و اخروی انسان به جای می گذارد.

## ۱,۷. روش تحقیق

روش جمع آوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه ای بوده است که در ابتدا به کتاب های مرتبط مراجعه شده است و پس از تهیه برگه های پژوهشی و دسته بندی آن ها، بازنویسی مطالب صورت گرفته است.

## ۱,۸. ساختار و محدوده ی تحقیق

پژوهش حاضر از مقدمه، دو بخش و یک نتیجه گیری تشکیل شده است. در بخش اول: کلیات بحث، مطرح شده که شامل دو فصل است. فصل اول کلیات طرح تحقیق و فصل دوم: شامل مفهوم شناسی واژه سخاوت می باشد و در بخش دوم به نام سخاوت و آثار آن در زندگی که به دو فصل مجزا که در فصل اول چیستی سخاوت، و فصل دوم آثار و راه های کسب سخاوت پرداخته شده است.

## ۱,۹. واژگان کلیدی

**انفاق:** در اصطلاح قرآنی «انفاق» به معنی بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که از طریق صدقه و بخشش مال خویش در راه جهاد، دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده، انجام می گیرد

**جود:** جود به معنای بخشش چه با مال و چه با علم است.

**سخاوت:** سخاوت یکی از ملکات نفسانی است که خداوند در انسان ها به ودیعه نهاده است؛ لذا به بخشش هایی که از عواطف انسانی ناشی شده، اطلاق می گردد.

فضایل اخلاقی: فضیلت در لغت به معنای فزونی از حد متوسط است و در علم اخلاق گاهی به معنای ملکات نیک نفسانی به کار می‌رود، و گاهی بر مطلق حالت نیک درونی اطلاق می‌شود؛ هرچند به حد ملکه نرسیده باشد و گاهی به معنای مطلق خوبی و نیکی و ارزش به کار می‌رود؛ اعم از اینکه ملکات نفسانی باشد، یا رفتار و عمل ارزشمند.

عفو: امام صادق (علیه السلام) در تعریف عفو می‌فرماید: «عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت و انتقام، طریقه پیامبران و متقیان است و معنی عفو این است که هر گاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود، دنبال آن را نگیری و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیاده‌تر از پیش کنی.»

## ۱۰۱. محدودیتها وموانع تحقیق

عدم دسترسی به کتابخانه های غنی، عدم دسترسی سریع و آسان به مراکز مختلف تحقیقاتی – علمی و کمبود منابع معتبر در زمینه موضوع پژوهش حاضر.

## **فصل دوم: مفهوم شناسی**

۱, ۲. مفهوم شناسی واژه سخاوت

۲, ۲. واژگان مرتبط با واژه سخاوت

با توجه به موضوع این نوشتار لازم است ابتدایه مفهوم واژه سخاوت پرداخته و کلمات مترادف و مرتبط با آن را توضیح دهیم.

## ۲,۱. مفهوم شناسی واژه سخاوت

سخاوت در لغت از ماده‌ی «سَخَو» به معنی جود و بخشش بوده و «سَخَى» به معنی بخشنده است؛<sup>۱</sup> وقتی گفته می‌شود سَخَا النَّارَ به این معنی است که خاکستر آتش را از آتش پاک کنند تا بهتر بسوزد و روشن شود؛ همان طور که آتش اطراف خود را روشن کرده خانه را گرم نگه می‌دارد سخاوت نیز موجب روشنائی و گرم کردن جامعه و کانون خانواده‌ها و زمینه‌سازی برای بهره‌مندی بینوایان است؛ بنابراین «سخاوت» در مقابل بخل بوده که در اصطلاح دینی به ملکه‌ی بذل مال به مستحق، بدون درخواست سائل، به میزان شایسته، گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

جود و سخاوت از هنجارهای اخلاقی است که دین اسلام بسیار بر آن تأکید نموده است. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«السَّخِيُّ الْكَرِيمُ الَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ فِي حَقِّ اللَّهِ؛<sup>۳</sup> سخاوتمند کریم کسی است که مال خود را در امور حق و شایسته به مصرف برساند.»

البته باید مرز بین سخاوت و اسراف را شناخت و موارد آنها را تشخیص داد. همچنین امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: «أَنَّ لِلْسَّخَاءِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرْفٌ؛<sup>۱</sup> همانا سخاوت دارای اندازه است اگر از آن اندازه گذشت اسراف خواهد بود.»

---

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۳.

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۱، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ص ۲۱۵.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، احمد جنتی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۹۹.



بنابراین «سَخاوت» در مقابل بخل و شحیح بوده که بخل در اصطلاح دینی به ملکه‌ی بذل مال به مستحق، بدون درخواست سائل، به میزان شایسته، گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

و شحیح از شح به معنای بخل توأم با حرص است؛ به طوری که به صورت عادت در آید.

در حدیثی می‌خوانیم امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود فرمود: آیا می‌دانی شحیح کیست؟

و در جواب عرض کرد: منظور بخیل است. امام فرمود: شح از بخل شدیدتر است .

بخیل کسی است که در مورد آنچه دارد، بخل می‌ورزد ولی شحیح هم به آنچه در دست مردم است بخل می‌ورزد و هم به آنچه خود در اختیار دارد؛ تا آنجا که هر چه را در دست مردم می‌بیند آرزو می‌کند که آن را به چنگ آورد؛ از طریق حلال یا حرام، و هرگز به آنچه خداوند به او روزی داده قانع نیست.<sup>۳</sup>

در حدیث دیگری آمده است: «شح و ایمان در قلب مرد مسلمان جمع نمی‌شود؛ همان گونه که غبار راه خدا و دود جهنم درون یک انسان گرد نمی‌آید.»<sup>۴</sup>

## ۲,۲. واژگان مرتبط با واژه سخاوت

- 
۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ص ۴۰۷.
  ۲. فخرالدین طریحی، همان، ج ۱، ص ۲۱۵.
  ۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، همان، ص ۵۹۵.
  ۴. عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۹، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۱۷.

**۲,۲,۱. انفاق:** انفاق از ریشه‌ی «نفق» در لغت به معنی گذشتن، از بین رفتن و تمام شدن یک چیز است؛<sup>۱</sup> در اصطلاح قرآنی «انفاق» به معنی بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که از طریق صدقه و بخشش مال خویش در راه جهاد، دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده، انجام می‌گیرد.<sup>۲</sup>

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ \* وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»<sup>۳</sup> آن چه را در راه خدا انفاق کنید خدا جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.»

انفاق کردن در حقیقت یک تجارت پر سود است چرا که خداوند عوض آن را بر عهده گرفته است و هنگامی که شخص کریمی عوض چیزی را بر عهده می‌گیرد، مراعات برابری و مساوات نمی‌کند بلکه آن را چند برابر و گاه صد چندان می‌کند.<sup>۴</sup>

انفاق از مال و دارایی، همانند هرس کردن درختان است که به ظاهر از آن کاسته می‌شود ولی این کاستن توأم با رشد و فزونی می‌باشد. انفاق کردن از مال رزق و روزی انفاق کننده را افزایش می‌دهد.<sup>۵</sup> رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید: «هرگاه خواستی خداوند ثروت را بیفزاید، زکات آن را پرداز.»<sup>۶</sup>

---

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالعلم

الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۹.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، ج ۲، چاپ سوم، تهران: ناصر

خسرو، ۱۳۷۲ ش، ص ۵۱۵.

۳. سباء (۳۹)، آیه ۳۹.

۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۸، چاپ بیست و یک، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲،

ص ۱۱۷.

۵. عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۹، چاپ هفتم، قم: اسراء، ۱۳۸۶، ص ۶۷۰.

۶. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۲، ص ۱۶۲.

در جای دیگر خداوند می فرماید: «حکایت آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند حکایت دانه ایست که هفتصد خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد دو برابر هم می کند که خدا وسعت بخش و دانا است.»<sup>۱</sup>

این آیات، مؤمنین را ترغیب و تشویق به انفاق در راه خدا می نماید و در ابتدا جهت افزایش و برکت مالی که انفاق می کنند مثالی می زند که یک درهم آن هفتصد درهم می شود چه بسا خداوند منان برکتش را افزون تر هم می کند.<sup>۲</sup> پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «کلید های روزی رو به عرش اند و خداوند روزی های مردم را به اندازه هزینه کردن هایشان در راه خدا فرو می فرستد پس هر که زیاد هزینه کند، روزی اش افزوده می شود.»<sup>۳</sup> از آیات قرآن و روایات معصومین (علیه السلام) استفاده می شود که خداوند در برابر انفاق کردن مؤمنان مقدار زیادی بر اموال آنان می افزاید و انفاق سبب استحکام بنای جامعه و موجب نزول برکات الهی می گردد.<sup>۴</sup>

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در این زمینه فرموده اند: «فرض الله ... و الزکاه زیاده فی الرزق؛<sup>۵</sup> خداوند .. زکات را برای افزایش روزی واجب ساخت.»

---

۱. بقره (۲)، آیه ۲۶۱.

۲. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، چاپ بیست هشتم، قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۵۸۷.

۳. علاء الدین علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۶، چاپ پنجم، بیروت: موسسه الرساله، بی تا، ص ۳۵۰.

۴. احمد محسنی گرگانی، زکات برای همه، قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۷۷، ص ۲۶۱ و ۲۳۵.

۵. محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، محمد جواد ذهنی تهرانی، ج ۱، قم: مومنین، ۱۳۸۰، ص ۷۹۳.

**۲،۲،۲. عفو و صفح:** حقیقت لغوی واژه (عفو) طبق نظر لغت دانان عبارت است از صرف نظر

کردن و رها کردن، بر وزن عفا یعفوا عفو؛ مصادیق و فروع این واژه به اصل کلمه که معنای صرف نظر و محو کردن است برمی گردد.<sup>۱</sup> «صفح» در لغت به معنای جانب و روی هر چیزی است بدین مناسبت جانب روی چیزی را دیدن و به روی خود نیاوردن کلمه صفح بکار می رود؛ و فرقی با عفو

این است که از عفو بلیغ تر است، چون گاهی می شود که انسان عفو می کند، ولی صفح نمی کند زیرا صفح علاوه بر عفو، فراموش نمودن خطا و هیچ پنداشتن آن و پاک کردن قلب از کینه می باشد.<sup>۲</sup> و در اصطلاح عفو عبارت است از ویژگی که در اثر آن، فردی که در معرض مشاجره بین فردی (مانند اهانت) قرار گرفته است، خطای فرد متخاصم را نادیده می گیرد و انگیزه های اصلی برای انتقام جویی و اجتناب از تماس با فرد مهاجم کاهش می یابند و سایر انگیزش های سودمند ارتباطی (مانند ایجاد ارتباط مثبت و همدلی) دوباره زنده می شوند.

**۲،۲،۳. جود:** جود به معنای بخشش و مقابل بخل می باشد. از واژه جود به بخشش، بخشندگی،

سخاوت، سخاء و سماحت نیز تعبیر آورده می شود. برخی، جود را غیر از سخاوت دانسته و در تفاوت آن دو با یکدیگر گفته اند:

جود بخشیدن قبل از سؤال است؛ لیکن سخاوت، عطا کردن بعد از سؤال می باشد. برخی دیگر گفته اند: جود، صفتی ذاتی و سخاوت صفتی اکتسابی است. از این رو، به خداوند جواد گفته می شود، لیکن سخی اطلاق نمی گردد؛ زیرا خداوند نعمت هایش را پیش از آنکه بندگان سؤال کنند به آنان عطا می کند.<sup>۳</sup>

---

۱. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ص ۲۰۶.

۲. همان، ج ۸، ص ۱۱۸.

۳. عبدالله بن نورالدین جزائری تستری، النخبة السنية فی شرح النخبة المحسنية، بی جا: بی تا، ص ۶۴ - ۶۵.

صفت جود از صفات بسیار با فضیلت است؛ زیرا در پرتو آن نیاز مؤمنی رفع می‌شود.<sup>۱</sup> بسیار جود کردن در ماه رمضان مستحب است.<sup>۲</sup> در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است: «جواد کسی است که آنچه خداوند از اموال، همچون زکات و خمس بر او واجب کرده، می‌پردازد.»<sup>۳</sup>

## ۲,۲,۴. کرم

جود در لغت به معنای بخشیدن است. حال بخشیدن با مال یا با علم<sup>۴</sup> و کرامت در لغت از ماده «کرم» به معنای سخاوت، شرافت، نفاست و عزت است<sup>۵</sup> و هرگاه این صفت برای انسان به کار رود به معنای اسم برای اخلاق و افعال زیبایی می‌باشد که از او سر می‌زند.<sup>۶</sup>

بنابراین کرامت، خود یکی از صفات نفسانی است که همه صفات و افعالی را که به نوعی دال بر عزت و بزرگی شخص است را در برمی‌گیرد و یکی از آنها بخشش و جود است لذا هر فعل و یا قولی که به صورت نیکو صورت گیرد، کرامت نام دارد. مانند قول کریم، رزق کریم، وجه کریم و... بر این اساس بخشش که معنای جواد است از لوازم کرامت است.<sup>۷</sup>

---

۱. موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی زیر نظر آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب

اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷.

۲. حسن بن یوسف علامه الحلی، منتهی المطلب، ج ۹، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۹۱، ۴۴۷ ۴۴۸.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، محقق موسسه آل بیت (علیه السلام)، ج ۹، قم: موسسه آل بیت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۶.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه مفردات الفاظ القرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۰.

۵. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۱۲، ص ۱۰۳.

۶. حسین بن محمد راغب اصفهانی، همان، ج ۴، ص ۱۲.

۷. حسن مصطفوی، همان، ج ۱۰، ص ۴۷.

در نتیجه کرامت دارای آثار مختلفی از جمله بخشش است. اما مرحله ای بالاتر از بخشش و به معنای بخششی زیبا است و آن است که بدون درخواست دیگری و یا در شدت نیاز و قحطی عطاء شود آن چنانکه شخصی از امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره معنای کرم سوال کرد و حضرت فرمود: «الْإِبْتِدَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ فِي الْمَحَلِّ...»؛<sup>۱</sup> بخشش پیش از درخواست و غذا دادن در قحطی...»

اما جواد از ماده جود به معنای مطلق بخشش و به تعبیری بخیل نبودن است؛ لذا شخصی از امام موسی کاظم (علیه السلام) درباره معنای جود سوال کرد و امام در پاسخ جود را به دو قسم جود در خداوند و جود در انسان تقسیم کرده و درباره جود در انسان فرمود: «...فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُؤَدِّي مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ الْبَخِيلَ مَنْ بَخِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ...»<sup>۲</sup> جواد کسی است که آنچه خداوند بر او واجب نموده پرداخت نماید و بخیل کسی است که از پرداخت آن بخل ورزد...»

## ۲،۲،۵. عدل

عدالت از ارزش های بسیار والا است و حتی ارزش آن بالاتر از جود است. عدالت رعایت استحقاق ها و عدم تجاوز به حقوق دیگران است؛ اما جود این است که افراد از حقوق خود درگذرند و آن را نثار دیگران کنند. اگر اخلاق فردی ملاک باشد ارزش جود بیش تر از عدالت است؛ چون کمال نفس را نشان می دهد؛ اما از نظر اجتماعی، عدالت بالاتر است زیرا در عدالت حقوق واقعی افراد در نظر گرفته و مطابق استعدادها و شایستگی ها حق آن ها اعطا می شود؛ اما در جود یک جریان غیرطبیعی است و مانند بدنی است که چون عضوی از آن بدن بیمار است، سایر اعضا فعالیت خود را به طور موقت متوجه اصلاح حال او می کنند. عدالت یکی از مسائلی است که به وسیله اسلام حیات و

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۱۰۳.

۲. محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۴۲.

زندگی را از سر گرفت و ارزش فوق العاده یافت. اسلام به عدالت، تنها توصیه نکرد و یا تنها به اجراء آن قناعت نکرد بلکه عمده این است که ارزش آنرا بالا برد. فرد باهوش و نکته سنجی از امیرالمومنین علی (علیه السلام) سوال می کند: «أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ»<sup>۱</sup> آیا عدالت شریفتر و بالاتر است یا بخشندگی؟<sup>۲</sup> مورد سوال دو خصیصه انسانی است، بشر همواره از ستم، گریزان بوده است و همواره احسان و نیکی دیگری را که بدون چشمداشت پاداش انجام می داده مورد تحسین و ستایش قرار داده است. پاسخ پرسش بالا خیلی آسان به نظر می رسد: جود و بخشندگی از عدالت بالاتر است زیرا عدالت رعایت حقوق دیگران و تجاوز نکردن به حدود و حقوق آنهاست، اما جود این است که آدمی با دست خود حقوق مسلم خود را نثار غیر می کند، آن که عدالت می کند به حقوق دیگران تجاوز نمی کند و یا حافظ حقوق دیگران است از تجاوز و متجاوزان، و اما آنکه جود می کند فداکاری می نماید، و حق مسلم خود را به دیگری تفویض می کند پس جود بالاتر است.

واقعاً هم اگر تنها با معیارهای اخلاقی و فردی بسنجیم مطلب از این قرار است، یعنی جود بیش از عدالت معرف و نشانه کمال نفس و رقاء روح انسان است، ولی علی (علیه السلام) برعکس نظر بالا جواب می دهد. علی (علیه السلام) به دو دلیل می گوید عدل از جود بالاتر است: یکی اینکه: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا عَنْ جِهَتِهَا»<sup>۲</sup> عدل جریانها را در مجرای طبیعی خود قرار می دهد اما جود جریانها را از مجرای طبیعی خود خارج می سازد؛ زیرا مفهوم عدالت این است که استحقاق های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هرکس مطابق آنچه به حسب کار و استعداد، لیاقت دارد داده شود. اجتماع حکم ماشینی را پیدا می کند که هر جزء آن در جای خودش قرار گرفته است و اما جود درست است که از نظر شخص جود کننده که مایملک مشروع خویش را به دیگری

---

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۳۵۷.

۲. محمدرضا حکیمی و محمد و علی، الحیاه، احمد آرام، ج ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۹.

می بخشد فوق العاده باارزش است، اما باید توجه داشت که یک جریان غیرطبیعی است، مانند بدنی است که عضوی از آن بدن بیمار است و سایر اعضا موقتاً برای اینکه آن عضو را نجات دهند فعالیت خویش را متوجه اصلاح وضع او می کنند. از نظر اجتماعی چه بهتر که اجتماع چنین اعضا بیماری را نداشته باشد تا توجه اعضا اجتماع به جای اینکه به طرف اصلاح و کمک به یک عضو خاص معطوف شود، به سوی تکامل عمومی اجتماع معطوف گردد. دیگر اینکه: «العدل سائس عام، و الجود عارض خاص؛ عدالت قانونی است عام و مدیر و مدبری است کلی و شامل، که همه اجتماع را در بر می گیرد و بزرگراهی است که همه باید از آن بروند، اما جود و بخشش یک حالت استثنائی و غیر کلی است که نمی شود رویش حساب کرد.» اساساً جود اگر جنبه قانونی و عمومی پیدا کند و کلیت یابد دیگر جود نیست.<sup>۱</sup> علی (علیه السلام) آنگاه نتیجه گرفت: «فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا»<sup>۲</sup> پس از میان عدالت و جود، آنکه اشرف و افضل است عدالت است.»

این گونه تفکر درباره انسان و مسائل انسانی نوعی خاص از اندیشه است بر اساس ارزیابی خاصی، ریشه این ارزیابی اهمیت و اصالت اجتماع است. ریشه این ارزیابی اینست که اصول و مبادی اجتماعی بر اصول و مبادی اخلاقی تقدم دارد، آن یکی اصل است و این یکی فرع، آن یکی تنه است و این یکی شاخه، آن یکی رکن است و این یکی زینت و زیور. حضرت علی در ادامه سخن خود، برای جود، زیان و خسارتی برنشمرد و صرفاً فرموده است که منفعت عدالت، عمومی است اما منفعت جود، اختصاصی. پس به هر حال، جود نیز منفعت دارد. در غیر این صورت، جود نیز، ظلم و خروج از عدالت بود. امیرمؤمنان جود را عارضی و مقطعی تلقی می فرماید. جود، قانونی همیشگی و ثابت نیست؛ بلکه بنابر اقتضای مصلحت، به عنوان تصمیمی عارضی مورد عمل قرار می گیرد اما عدالت،

---

۱. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا، ۱۳۶۷، ۱۱۳، ۱۱۰.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۹، ص ۵۹.



سیاستی ثابت و عمومی است «سائس عام». عدالت، به آحاد مردم سود می رساند اما جود، در موقع اعمال، فقط برای متخلف، سودمند است در عین حال که به سایر مردم نیز زیان نمی رساند.<sup>۱</sup>

بنابراین می توان گفت: سخاوت در لغت از ماده‌ی «سَخَو» به معنی جود و بخشش بوده و در اصطلاح دینی به ملکه‌ی بذل مال به مستحق، بدون درخواست سائل، به میزان شایسته، گفته می‌شود. جود و سخاوت از هنجارهای اخلاقی است که دین اسلام بسیار بر آن تأکید نموده است. که البته باید مرز بین سخاوت و اسراف را شناخت و موارد آنها را تشخیص داد. در قران کریم واژه ای به نام سخاوت نیامده است ولی کلمه مترادف با آن به نام انفاق ذکر شده که می توان فرق این دو را چنین بیان نمود که سخاوت صفتی درونی و در نهان انسان است ولی انفاق صفتی بیرونی می باشد. واژه صفح با واژه عفو از لحاظ معنایی متفاوت است و فرقی این است که از عفو بلیغ تر است، چون گاهی می شود که انسان عفو می کند، ولی صفح نمی کند زیرا صفح علاوه بر عفو، فراموش نمودن خطا و هیچ پنداشتن آن و پاک کردن قلب از کینه می باشد.

---

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، ج ۱۸، چاپ هشتم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۱، ص ۱۵۸.

## فصل اول: چیستی سخاوت

۱,۱. اهمیت و جایگاه سخاوت

۱,۲. درجات سخاوتمندان از دیدگاه قرآن

۱,۳. آداب سخاوت و انفاق

۱,۴. مصادیق سخاوت

یکی از فضایل خوب بشری، سخاوت و بخشندگی است. سخاوت ملکه ای نفسانی است که خداوند در انسان ها به ودیعه نهاده است و خداوند به انسان های مؤمن و باایمان سفارش می کند که با یکدیگر با سخاوت مندی برخورد کنند. با این نگاه، در این فصل به اهمیت و جایگاه فضیلت اخلاقی سخاوت و بخشندگی، درجات سخاوت از دیدگاه قرآن، چهره سخاوتمندان در قرآن، آداب و مصادیق آن را بر اساس آموزه های قرآنی تبیین می کند.

## ۱.۱. اهمیت و جایگاه سخاوت

سخاوت یکی از والاترین ارزش ها و کمالات انسانی و نشانه صفای باطن انسان می باشد. قرآن کریم در آیات متعددی به این حقیقت اشاره فرموده است و بندگان خوب خود را به این خصلت ستایش کرده است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»<sup>۱</sup> انسان های نیکوکار از جمله خصلت هایشان اینست که به خاطر جذب دوستی خداوند به مسکینان و یتیمان و اسیران اطعام می کنند.

در جای دیگر قرآن کریم انفاق را از نشانه های پرهیزکاران بر شمرده است: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»<sup>۲</sup> متقین آنهايند که از آنچه ما به آنها روزی دادیم در راه خدا انفاق می کنند.

به خاطر ارزش و اهمیت این خصلت زیبا، خداوند رسولش را برای احیای این خصلت زیبا در مسلمانان، امر می کند<sup>۳</sup> و می فرماید:

---

۱. انسان (۷۶)، آیه ۸.

۲. بقره (۲)، آیه ۳.

۳. مقاله سخاوت از دیدگاه اسلام و قرآن، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰، <http://www.oldtebyan-tehran.com>

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»<sup>۱</sup>

لذا امیر مومنان (علیه السلام) می فرماید: «ای جابر ارکان دین و دنیای مردم بر چهار چیز استوار است».

۱. عالم و دانشمندی که علم خود را به کار گیرد و دیگران را یاد دهد.

۲. نادانی که از فراگیری علم و دانش سر باز نزند.

۳. سخاوتمندی که از ادای واجبات مالی بخل نورزد.

۴. نیازمندی که آخرتش را به دنیا نفروشد»<sup>۲</sup>

امام باقر (علیه السلام) از جدش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کند که آن حضرت فرمودند: «سخاوت درختی است در بهشت که شاخه های آن بر دنیا سایه افکنده و مشرف بر زمین است. هر آن کس که به شاخه ای از شاخه های آن آویزان شود او را به سوی بهشت می کشاند»<sup>۳</sup>

بنابراین «سخاوت» یا «بخشش» نشان بیرون رفتن از تنگناهای تاریک خودخواهی و خودیابی و قرار گرفتن بر قله بلند و دیگر دوستی است و انسان سخاوتمند و بخشنده کسی است که دلبستگی بسیار به مال و ثروت خود ندارد و بر اثر تمرین و توفیق، امیر مال خویش است نه اسیر آن.

بخشنده گی نقطه مقابل بخل و وابستگی و نماد بهره مندی از صفات پسندیده انسانی است. صاحبان احسان و سخاوت، مجموعه دارایی های ظاهری و باطنی؛ مادی و معنوی خویش را «ملک» خود نمی دانند و خود را «مالک» آنها نمی شمرند، بلکه «امانت دار» می دانند که باید به خوبی از داده های مالک اصلی مواظبت کنند و آنها را به نیازمندان و مستحقان واقعی بسپارند.

---

۱. توبه (۹)، آیه ۱۰۳.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حسین انصاریان، چاپ دوم، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۶ ش، ص ۸۶۵.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۳۵۵.

از این رو نگاه سخاوتمندان به دارایی ها به عنوان «رزق و روزی» یا «لطف و عنایت الهی» است که با این نگرش احسان و انفاق به راحتی صورت می گیرد و پرداخت ها هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد، چون «مال» را «مال الله» و احسان را لطف و توفیق خدا می شمرند و خود را تنها عامل می دانند نه مالک.

افزون بر جلوه های مادی سخاوت، جنبه معنوی آن بسیار عظیم تر و چشمگیرتر است، چنان که امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «سخی نزدیک خداوند، نزدیک بهشت و نزدیک مردم است. سخاوت درختی در بهشت است، کسی که خود را به شاخه ای از شاخه های آن بیاویزد داخل بهشت می شود.»<sup>۱</sup>

در پناه خداوند بودن و پشتیبانی پروردگار، نعمت گرانبهایی است که از هزاران نفر، تعداد انگشت شماری دارای چنین لطف بی مانندی می شوند. علاقه زیاد پروردگار به سخاوتمندان، حیرت و تعجب همگان را بر می انگیزد و شاهد عبودیت و بندگی را در عمق جان انسان می ریزد.<sup>۲</sup>

از جلوه های چنین علاقه ای آن است که پس از انحراف پیروان حضرت موسی (علیه السلام) از سوی سامری، اعدام کمترین مجازات سامری بود که باید اجرا می شد، اما به هنگام اجرای این حکم، خداوند به جناب موسی (علیه السلام) وحی فرستاد که: «ای موسی! سامری را به قتل نرسان زیرا او انسان سخاوتمند و اهل جود و کرم است.»<sup>۳</sup>

---

۱. مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، محمد رضا عطایی، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش، ص ۳۱۸.

۲. مقاله سخاوت و جایگاه سخاوتمندان در احادیث و روایات، ۱۳۹۳/۹/۱۰، ساعت ۱۲:۳۰،

<http://rasekhoon.net>

۳. محمد بن حسن حر عاملی، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، چاپ سوم، تهران: انتشارات دهقان، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۲۷.

در سخنی دیگر خلقت بهشت برای سخاوتمندان دانسته شده است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «آنگاه که خداوند بهشت را آفرید، سوال کرد: پروردگارا چرا مرا آفریدی؟ پاسخ شنید: برای افراد سخی. بهشت گفت: راضی شدم خدای من.»<sup>۱</sup>

شیخ مفید در کتاب الاختصاص در روایتی شگفت انگیز درباره ارتباط خداوند با سخاوت پیشگان نقل می کند که: «بر شما باد به توجه و عنایت نسبت به انسان سخی، که همانا خداوند بلندمرتبه از دست او به طور مستقیم و بدون واسطه فرشتگان می گیرد.»<sup>۲</sup>

## ۱،۲. درجات سخاوتمندان از دیدگاه قرآن

سخاوت دارای درجاتی است همانطور که فضایل دیگر نفسانی دارای درجاتی است. درجه اول؛ سخاوت بخشش در فرایض است. یعنی انسان آن چیزهایی را که شرعاً لازم و واجب است بذل کند، مثل خمس، زکات پول حج واجب، رد مظالم، دیات واجبه، وجوه نذر و قسم و یا مثل انفاق بر افراد واجب التفقه چون پدر و مادر و یا زن و فرزندان. کسانی که این نوع سخاوت را داشته باشند به آنها سخی متشوع می گویند.

درجه دوم؛ بعضی دیگر علاوه بر ادای واجبات، حقی را نیز در اموالشان برای نیازمندان منظور کرده اند. مانند کسانی که خداوند آنها را در قرآن می ستاید و می فرماید:

---

۱. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ج ۷، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۸.

۲. محمد بن محمد مفید، الاختصاص، علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمي لافیه الشیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۵۳.

«وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»<sup>۱</sup> و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود.»

سخاوت مضایقه نکردن در بخشش چیزهایی است که عرفاً و عادتاً باید آنها را بذل و بخشش کرد. البته این مرتبه نسبت به افراد گوناگون از لحاظ کمیت و کیفیت متفاوت است.

درجه سوم؛ عالترین درجه سخاوت همان ایثار است؛ یعنی اینکه انسان چیزی را ببخشد و از چیزی چشم ببوشت که مورد نیاز و احتیاج خود اوست.<sup>۲</sup> خداوند در خصوص مدح ایثار می فرماید:

«وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۳</sup> ایثار می کنند در حالی که خود نیازمندند.»

این مرتبه اوج قله ایثار است که انسان جان خود را انفاق کند مانند مولی علی (علیه السلام) در ليله المبيت که جان خویش را در طبق اخلاص قرار داد و همچنین نیازهای دیگران را بر نیازهای خود مقدم می دارند؛ مانند آنها که خداوند در مدح آنان می فرماید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۴</sup> نیازمندان را بر خودشان مقدم می دارند هر چند شدیداً فقیر باشند.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه فرمودند:

«مردان چهار قسم اند: سخی، کریم، بخیل، لئیم.»

---

۱. ذاریات (۵۱)، آیه ۱۹.

۲. جواد حبیبی تبار، مقاله راه خودسازی، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰، <http://najafabadnews.ir>.

۳. حشر (۵۹)، آیه ۹.

۴. حشر (۵۹)، آیه ۹.

سخی آنست که هم خود می خورد و هم به دیگران عطا می کند. کریم آن کسی است که خود نمی خورد و به دیگران عطا می کند. بخیل کسی است که خودش می خورد ولی عطا نمی کند. لئیم کسی است که نه خودش می خورد و نه به دیگران عطا می کند.<sup>۱</sup>

سخاوت علاوه بر اینکه یکی از فضایل نفسانی است، یکی از پایه های سعادت جامعه انسانی نیز محسوب می شود. چنانچه مولا علی (علیه السلام) نیز فرمود: «یکی از عوامل پایداری و قوام دین و دنیای مردم، ثروتمندان سخی و نیکوکاری هستند که در ادای واجبات مالی بخل نمی ورزند.»<sup>۲</sup>

سخاوت‌مندی از دو جنبه قابل بحث است یکی سخاوت در جهت رفع نیازهای اجتماعی جامعه مانند مؤسسات عام المنفعه مثل بیمارستان، مدارس، دانشگاه ها، مساجد، مرکز آموزش و بهداشتی و رفاهی. رفع این نوع نیازمندیها راهی جز بهره گیری از امداد توانگران و کمک افراد نیکوکار نداشته و ندارند و اگر ثروتمندان به این نیازها توجه نکنند مشکلات فراوانی برای جامعه به وجود می آید.

**دیگر در جهت رفع نیازهای فردی،** مانند کمک به فقرا، محرومین، افراد ناتوان، مریض، بیکار که در هر جامعه ای یافت می شوند؛ بنابراین کلید حل همه این مشکلات یاد شده خصلت سخاوت است.<sup>۳</sup>

---

۱. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ایمان و کفر (ترجمه الإیمان و الکفر بحار الأنوار)، عزیز الله عطاردی قوچانی، ج ۲، تهران: انتشارات عطارد، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۷۳.

۲. محمد بن شریف الرضی، نهج البلاغه، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۴۱.

۳. مقاله سخاوت از دیدگاه اسلام و قرآن، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰، <http://www.oldtebyan-tehran.com>



### ۱,۳. آداب سخاوت و انفاق

قرآن کریم برای هدفمند کردن انفاق و سخاوتمندی‌های افراد جامعه و دوری از افراط و تفریط و بهره‌مندی صحیح از اموال و دارایی‌ها، قوانین و آدابی قرار داده است و زمانی سخاوت، سخاوت حقیقی است که با آداب خاصی همراه باشد که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

#### ۱,۳,۱. اخلاص

یکی از آدابی که با سیر در آیات قرآن به دست می‌آید، انفاق مخلصانه جهت کسب رضای الهی است:

«إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»<sup>۱</sup> (و می‌گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم»

خداوند در این آیه اخلاص اهل بیت (علیه السلام) را در انفاق، ستایش نموده و می‌فرماید: «آنها طعام مورد نیاز خود را به خاطر حب و رضایت خدا به نیازمندان می‌بخشند، بدون اینکه از آنها اجر و پاداشی طلب کنند و یا حتی انتظار تشکر داشته باشند»<sup>۲</sup>

#### ۱,۳,۲. تقوا

همراهی انفاق با تقوای الهی، از دیگر آداب سخاوت است:

«... فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى»<sup>۳</sup> ... امّا آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزگاری پیش گیرد»

همراه بودن سخاوت با تقوای الهی این است که از بخل در انفاق بپرهیزد و مال را از راه حلال تهیه نماید و در راه صحیح مصرف کند که این امور از مصادیق بارز تقوا در سخاوت است.<sup>۴</sup>

---

۱. انسان (۷۶)، آیه ۹.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو،

۱۳۷۲ ش، ص ۶۱۷.

۳. لیل (۹۲)، آیه ۵.

### ۱,۳,۳. تجرد از منت

از جمله آداب دیگری که باید در سخاوت و انفاق رعایت شود، اینست که بخشش‌ها لطمه‌ای به آبرو و حیثیت زندگی کسانی که به انسان وابسته‌اند، وارد نکند و خالی از هر گونه منت‌گذاری باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى...»<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید!...»

این آیه دالّ بر اینست که آزار و منت بعد از انفاق و بذل مال، اجر آن را از بین برده و ضایع می‌کند؛ لذا سخاوت با منت سازگاری ندارد و اخلاص را از بین می‌برد.<sup>۳</sup>

### ۱,۳,۴. اعتدال

رعایت اعتدال در انفاق، یکی دیگر از آداب سخاوتمندی است که قرآن با تعبیر به صورت کنایی از آن سخن گفته است:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۴</sup> آنان کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف کنند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، اعتدال می‌ورزند.»

این آیه، بیانگر یکی از مهمترین مسائل زندگی است که رعایت آن موجب آسایش و آرامش فرد و جامعه شده و باعث گشودن گره‌های مشکلات و برطرف شدن بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌گردد و می‌توان از آن به عنوان معجزه زندگی یاد کرد، و آن مساله اعتدال در انفاق و مصرف است.

---

۱. عبدالحسین طیب، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، ج ۱۴، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۹.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۶۴.

۳. محمد بن حبیب‌الله سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۱، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۴۳.

۴. فرقان (۲۵)، آیه ۶۷.

اعتدال، یعنی میانه‌روی و حدفاصل بین افراط و تفریط، که چنین کاری از نظر اسلام در همه چیز، محبوب و مطلوب است.<sup>۱</sup>

### ۱,۳,۵. بخشش از پاک‌ترین و بهترین قسمت مال

از زیباترین آدابی که برای انفاق و سخاوتمندی در قرآن ذکر شده اینست که بخشش افراد باید از بهترین و پاک‌ترین قسمت اموال باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ...»<sup>۲</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید؛ درحالی‌که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت!...»

از آنجا که طرف انفاق سخاوتمندان، خداوند و افراد نیازمند جامعه هستند، لذا انتخاب اموال ناپاک و بی‌ارزش، علاوه بر اینکه موجب آزردن نیازمندان می‌گردد، توهین به مقام بلند خداوند عالمیان هم به حساب می‌آید.<sup>۳</sup>

### ۱,۳,۶. تسریع در انفاق

نکته‌ی بسیار مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد سرعت در سخاوت است. انسانی که قصد بذل و بخشش دارد نباید دچار وقفه شود و در کمک کردن تعلل ورزد. زیرا شیطان به سرعت سراغ او رفته و از انفاق کردن منصرفش می‌کند.

---

۱. محمد محمدی اشتهاردی، مقاله اعتدال در انفاق و مصرف، مجله پاسدار اسلام، ش ۲۲۳، ۱۳۷۹، ص ۱۹.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۶۷.

۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، همان، ج ۲، ص ۳۳۳.

تأخیر در بذل به بهانه هایی نظیر مشورت کردن، استخاره نمودن و مانند آن همگی از دام های شیطان است. از این رو است که قرآن کریم دستور به تسریع در کار خیر می دهد.

قرآن کریم در سوره ی آل عمران می فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ»<sup>۱</sup> برای دریافت مغفرت و بخشش الهی به سرعت اقدام کنید و توبه و استغفار را به آینده موکول نکنید.

در آیه ی ۱۴۸ از سوره ی بقره نیز می فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۲</sup> یعنی در انجام همه ی کار های خیر از دیگران سبقت بگیرید و برای سبقت از دیگران در کارهای خیر سریعاً اقدام کنید.

به همین خاطر است که روایات اهل بیت (علیهم السلام) ما را به تسریع در سخاوت دعوت می کند و می فرماید: «الْوَعْدُ مَرَضٌ فِي الْجُودِ»<sup>۳</sup> وعده دادن (و بخشیدن را به آینده موکول کردن) بیماری جود است و دوا ی آن سرعت در بخشش است. تأخیر در سخاوت و وعده ی انجام آن در آینده، همان مَرَضِی است که گریبان سخاوتمند را گرفته و آن را از پای در می آورد و معالجه ی آن هم سرعت در اعطا و بخشش است.<sup>۴</sup>

## ۱،۴. مصادیق سخاوت

سخاوت یعنی آنچه که انسان در اختیار دارد از قبیل علم و دانش، مال و ثروت، قدرت و نفوذ کلیه امکانات مادی و معنوی که مورد نیاز دیگران است در اختیار آنان بگذارد و نیازمندیهای مادی و

---

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۳۳.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳. حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۰۸ ق، ص ۷۱.

۴. ابوالحسن مهدوی، مقاله سخاوت، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۸، <http://www.sa->

معنوی، فردی و اجتماعی مردم را برطرف سازد، و در قرآن مجید در مورد سخاوت و بخشش بسیار تأکید شده است.<sup>۱</sup>

همچنین خداوند یکی از نشانه های مهم ایمان را انفاق در راه خداوند معرفی می کند،<sup>۲</sup> و در روایات اسلامی از پیامبر بزرگوار (صلی الله علیه وآله وسلم) و اصحاب گرامی و بزرگان دین درباره فضیلت سخاوت و بخشندگی بسیار سفارش شده است و نیز از دیدگاه اسلام سخاوت منحصر در کمک و بخشش مال نیست بلکه به هر گونه کمک و رفع نیاز مادی و معنوی صدق می نماید که برخی مصادیق سخاوت ذکر می گردد.<sup>۳</sup>

## ۱،۴،۱. بخشندگی مال

مشهور و معروفترین مصداق سخاوت، بخشندگی در امور مادی است که در آیات و روایات فراوانی مورد توجه قرار گرفته است روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «خداوند متعال می فرماید: ای فرزند آدم انفاق کن، تا به تو انفاق شود»<sup>۴</sup>

یعنی آنچه شخص در طول زندگی خود صدقه و خیرات نموده و در کارها و راههای خیر مصرف کرده از آن او است و در روز رستاخیز دست او را خواهد گرفت و اما آنچه بعد از مرگ باقی گذاشته است از آن ورثه است و به او چیزی تعلق نمی گیرد.<sup>۱</sup>

---

۱. بقره (۲)، آیه ۲۶۱

۲. بقره (۲)، آیه ۳؛ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (پرهیزکاران) آنها هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند»

۳. مقاله سخاوت و بخشندگی از دیدگاه قرآن و سنت، ساعت ۱۲، ۱۱/۸/۱۳۹۳،

<http://vaislamah.com>

۴. همان مقاله.

## ۱,۴,۲. سخاوت در علم و هنر

آموزش دادن علم و دانش و هنر به دیگران نیز از بزرگترین و ارزشمندترین نوع سخاوت محسوب می‌گردد، زیرا این نیز سود رسانی به توده مردم و رفع نیازمندی‌های جامعه است در روایات به آن توجه و تأکید زیادی شده است.

## ۱,۴,۳. سخاوت در قدرت و نفوذ

از مهم‌ترین وظایف انسان‌ها، جلوگیری از ستم است. بسیاری از مظلومان توانایی دریافت حق مشروع‌شان را ندارند و تنها با کمک و همیاری دیگران می‌توانند به این مهم دست یابند. کسانی که قدرت دارند، نباید در این کار کوتاهی کنند. اگر کسی بتواند در راه احقاق حق مظلوم گامی بردارد ولی از انجام دادن آن کوتاهی کند، در پیشگاه خدا و وجدانش پاسخی نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

کمک گرفتن جایگاه و قدرت سیاسی و نفوذ اجتماعی در بر طرف نمودن گرفتاری مردم یکی از مصادیق مهم سخاوت به شمار می‌آید زیرا احقاق حقوق مظلومین و جلوگیری از سرکشان و متجاوزان نیز نوعی بخشندگی به دیگران محسوب می‌گردد و از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد.<sup>۳</sup>

## ۱,۴,۴. سخاوت در خیر خواهی

بسیاری از افراد نادان در اشتباه و انحراف فکری و اخلاقی مبتلا می‌شوند یا در امور فردی و اجتماعی خویش در می‌مانند، فکر و عقل‌شان به جایی نمی‌رسد اینگونه افراد را نصیحت و راهنمایی کردن یک نوع سخاوت ارزشمند محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup>

---

۱. همان مقاله.

۲. مقاله پرهیز از اولین گناه مجله گلبرگ، دی ۱۳۷۹، ش ۱۰، ص ۱، <http://www.hawzah.net>

۳. مقاله سخاوت و بخشندگی از دیدگاه قرآن و سنت، ساعت ۱۲، ۱۱/۸/۱۳۹۳،

<http://vaislamah.com>

## ۱,۴,۵. عفو

گاهی سخاوت در عفو و بخشش است. قرآن کریم می‌فرماید: «مَا ذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ»<sup>۲</sup> یعنی تو در مورد انفاق سؤال می‌کنند، در پاسخ بگو عفو کنید. در تفسیر این آیه آمده است که ابن عباس می‌گوید عده ای که دارایی اند کی هم داشتند و همان را انفاق کرده بودند.

خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) رسیدند، پرسیدند: ما دیگر چه چیزی انفاق کنیم؟ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در پاسخ فرمودند: عفو کنید! یعنی اگر کسی حقی از شما ضایع کرده او را حلال کنید.

عفو کردن از مصادیق بزرگ سخاوت است زیرا بسیاری از انسان ها حاضرند سخاوت در امور مالی داشته باشند و مبلغ زیادی را هم بذل و بخشش کنند اما نمی‌توانند کسی را که ظلمی به آنها کرده ببخشند و می‌گویند حسابش را برای قیامت گذاشتم. انسان سخاوتمند در همه چیز سخاوتمند است.

اگر کسی صفت بخل را خوب بشناسد ضد آن را که سخاوت و ایثار باشد به خوبی می‌شناسد که گفته اند «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا» یعنی شناخت هر چیزی به شناسایی ضد آن است.<sup>۳</sup>

## ۱,۴,۶. ایثار

بالاترین مراتب سخاوت، ایثار است؛ که عبارت است از بخشش و جود، با وجود احتیاج و ضرورت خود. این مرتبه ای است رفیع، و محلی است عظیم.

---

۱. همان مقاله.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۱۹.

۳. ابوالحسن مهدوی، سخنرانی در مورد سخاوت، جلسه اول، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱.

خَلَّاقِ عَالَمٍ در مدح این افراد می فرماید:

«وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۱</sup> بودند که اختیار می کردند دیگران را بر خود، اگرچه خود احتیاج داشتند.»

حدیث از حضرت پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مروی است: «هر مردی که خواهش به چیزی داشته باشد، پس خود را از آن نگاه دارد و دیگری را بر خود اختیار کند، آمرزیده می شود.»

روایت شده است که بعضی از زنان پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) گفتند: آن سرور هرگز سه روز پی در پی چیز سیر نخورد. و هرگاه می خواست می توانست سیر بخورد، ولیکن آنچه داشت به مردم می داد و گرسنگان را بر خود مقدم می داشت.

ایثار حیدر کرار بر زبان ها مشهور، و در تواریخ و کتب مسطور است. ایثار آن بزرگوار به جایی رسید که در «لیلۃ المبیت»، حیات پیغمبر را بر حیات خود اختیار کرد، و در خوابگاه خاتم الانبیاء خوابید. به این سبب خداوند عالم بر ملائکه مباهات نمود و آیه «مَنْ يَشْرَىٰ نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> نازل شد.

بعد از آن بزرگوار، ائمه اطهار و خواص شیعیان ایشان در این طریق پسندیده به ایشان اقتدا نموده، سعی در مراعات این فضیلت می کرده اند.

بنابراین بهترین نوع سخاوت ایثار است گاهی انسان از آنچه دارد احتیاجات خود را تأمین می کند و به دیگران نیز کمک می نماید، این سخاوت است ولی گاهی انسان چیزی را که خود به آن نیاز

---

۱. حشر (۵۹)، آیه ۹.

۲. بقره (۲)، آیه ۲۰۷.



شدید دارد، آن را در اختیار دیگران قرار می دهد این ایثار است که از بخشندگی معمولی خیلی با ارزش تر و پاداش آن نیز به مراتب بیشتر است.<sup>۱</sup>

خداوند در مورد مسلمانان واقعی می فرماید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۲</sup> و دیگران را بر خویشتن مقدم می دارند هر چند که خودشان نیازمندتر باشند» و نیز می فرماید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا»<sup>۳</sup>

## ۱،۴،۷. مهمانی

برجسته ترین خصلت های نیک مردان و آزادگان، کرم و سخاوت است و همین آزادگی از تعلقات و خوی بذل و بخشش است که دیگران را اسیر محبت و احسان می کند.

«ضیافت» و داشتن دستی باز و سفره ای گشوده و عطایی پیوسته و مهمان داری و مهمان نوازی، از نشانه ها و جلوه های این روحیه فتوت و جوانمردی است.

معاشرت ها، دید و بازدیدها و رفت و آمدها، گاهی به صورت «مهمانی» است. از این رو آشنایی با آداب ضیافت و رسوم دینی مهمانی، در محدوده «اخلاق» معاشرت می گنجد. این موضوع، دو جنبه و دو طرف دارد: یکی کسی که مهمان می کند، دیگری آن که مهمان می شود و هر کدام را آداب و روش و حدّ و حدودی است.

هر عمل خیر و شایسته ای، گاهی دچار برخی آفت ها می شود. با همه ستایشی که از پذیرایی شایسته از مهمان شده، اگر جنبه تعادل رعایت نشود و به مرز اسراف و ولخرجیهایی برسد که اغلب،

---

۱. مریم پناهنده، مقاله از هر دست بدی با همون دست می گیری، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱،

<http://www.tebyan.net>

۲. حشر (۵۹)، آیه ۹.

۳. الإنسان (۷۶)، آیه ۸.

روی چشم و هم چشمی است، یا ریشه در خودنمایی و تفاخر دارد، ناپسند است و همین کار مقدس و خداپسند، از قداست و محبوبیت نزد خدا می افتد.

اطعام، با همه ارزشی که دارد، آنجاست که «فی الله» و «لله» باشد و به قصد سیر کردن شکمی گرسنه یا شاد کردن برادری مؤمن یا تقویت رابطه های خویشاوندی و صله رحم باشد.<sup>۱</sup>

## ۱,۴,۸. بخشش نسبت به دشمنان

دامنه بخشش بسیار گسترده است. این گستردگی هم در مصادیق بخشش و هم در مورد آن است. به این معنا که بخشش در امور بسیاری می تواند رخ دهد چنان که می تواند افزون بر دوستان حتی دشمنان بلکه غیر انسان ها و دیگر موجودات را نیز شامل شود.

از آنجایی که بخشش و بخشنده گی از مقام خدایی و خلافت انسانی است، می تواند همه موجودات را دربرگیرد. انسان سخی و بخشنده می کوشد تا از آن کمالی که در اختیار دارد دیگران را بهره مند گردند و اینگونه خود را مجرای فیض الهی و خلیفه خداوندی قرار دهد.

انسان ها هرچه به کمال نزدیک تر باشند، دامنه مصادیق و موارد بخشنده گی آنان نیز بیشتر می شود. انسان مسلمان نسبت به گیاهان و جانوران بخشنده گی دارد؛ چنانکه نسبت به مسلمانان سخاوت می ورزد. این سخاوت نسبت به دشمنان نیز با کارکردهای چندگانه ای انجام می گیرد که از آن جمله تالیف قلوب است.<sup>۲</sup> با سخاوت و بخشنده گی به دشمنان این دشمنی کاهش می یابد؛ زیرا دشمنان مسلمانان، کسانی هستند که برای دنیای خویش به مخالفت می پردازند. وقتی این اشخاص از اموال مسلمانان بهره ای می برند خود را در موقعیت نامناسبی می یابند و نمی توانند رفتار خصمانه خود را توجیه کنند.

---

۱. جواد محدثی، مقاله آداب مهمانی، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱، [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

۲. توبه (۹)، آیه ۶۰.

مومنان حتی نسبت به دشمنان حربی که به جنگ مسلمانان آمده‌اند سخاوت می‌ورزند.<sup>۱</sup>

از این رو از غذای خویش که بدان نیاز شدید دارند می‌گذرند و آن را به دشمن می‌بخشند، زیرا این عمل را وجه الهی می‌بینند و آن را جلوه ای از جلوه‌های خداوند می‌دانند.<sup>۲</sup>

انسان‌هایی که رنگ خدایی گرفته‌اند، با رغبت تمام و طیب خاطر به بخشندگی اقدام می‌کنند.<sup>۳</sup>

چرا که آن را نه تنها وظیفه خود بلکه یک رفتار در چارچوب خلافت الهی می‌دانند؛ زیرا خداوند نه تنها در دنیا به دوستان خویش بخشندگی می‌کند، بلکه حتی برای دشمنان خویش نیز از مقام رحمانیت بخشش می‌کند و رنگ خدایی گرفته نیز اینگونه است.<sup>۴</sup>

پس می‌توان نتیجه گرفت که سخاوتمند کسی است که از اموال خود و برای رضای خدا سخاوت داشته باشد، سخاوت از اخلاق انبیاء است و ستون ایمان است و هیچ فرد با ایمانی وجود ندارد، مگر این که با سخاوت است و هیچ سخاوتمندی وجود ندارد، مگر این که دارای یقین و همت عالی است، زیرا سخاوت، شعاع نور یقین است و آن کس که بداند چه چیزی را قصد کرده، آنچه را که بذل نموده در نظر او کم اهمیت است و در آیات و روایات از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

از مجموع آیات مختلفی که به نحوی به این موضوع ارتباط دارد به خوبی عظمت و اهمیت و ارزش والای این صفت برجسته انسانی ظاهر می‌شود، نه تنها باعث نظم و سعادت جوامع انسانی و مبارزه با فقر و محرومیتی که سرچشمه انواع نابسامانی‌ها و گناهان است، می‌شود بلکه در تکامل معنوی و روحی انسان نیز نقش بسیار مهمی دارد در صورتی که با آداب خاصی از جمله اخلاص، تقوا، تجرد از منّت، اعتدال، بخشش از پاک‌ترین و بهترین قسمت مال و تسریع در انفاق صورت گیرد. همچنین

---

۱. انسان (۷۶)، آیه ۹ .۵

۲. انسان (۷۶)، آیه ۹ .۵

۳. انسان (۷۶)، آیه ۹ .۵؛ بقره (۲)، آیه ۱۷۷.

۴. علیرضا شعاعی، سخاوت و بخشش آرامشی برای خود، آسایشی برای دیگران، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۱۸۶ به تاریخ ۹۱/۱/۲۹، ص ۶.

سخاوت و بخشندگی تنها منحصر در اموال نمی شوند بلکه دارای مصادیق دیگری از جمله سخاوت در علم و هنر، عفو، ایثار و بخشش نسبت به دشمنان نیز می شود.

## **فصل دوم: آثار و راه های کسب سخاوت**

### **۲, ۱. آثار سخاوت**

۲, ۱, ۱. آثار دنیوی سخاوت

۲, ۱, ۲. آثار اخروی سخاوت

۲, ۲. راه های کسب سخاوت

بخشش یکی از خصلت‌ها و فضایل خوب و زیبای انسانی است. کسی که اهل بخشش است نه تنها به دیگری کمک می‌کند تا از نظر اقتصادی و آسایشی، وضعیت بهتری پیدا کند، بلکه به خودش کمک می‌کند تا از نظر روانی در آرامش قرار گیرد که بازتاب آن سرور و شادابی است. بنابراین، بخشش و سخاوت پیش از آن که آثارش به دیگری برسد به خود فرد می‌رسد. البته این بدان معنا نیست که شخص بخشنده با این قصد و نیت این کار را انجام می‌دهد بلکه از آن روست که بخشندگی و سخاوت یک عمل انسانی و نشانه رنگ خدایی گرفتن انسان است. بنابراین سخاوت آثار و نتایجی را برای انسان به ارمغان می‌آورد که دانستن آن، موجب تقویت انگیزه شده و عزم انسان را برای تحصیل این صفت جزم می‌کند. ما در این فصل به آثار دنیوی و اخروی این فضیلت انسانی و راه های کسب آن می‌پردازیم.

## **۲.۱. آثار سخاوت**

اگر سخاوتمندی، بر اساس آداب و شرایط اسلامی آن انجام پذیرد دارای آثار مثبت دنیوی و اخروی بسیاری است که به برخی از آثار آن اشاره می‌گردد:

### **۲.۱.۱. آثار دنیوی سخاوت**

می‌توان آثار دنیوی سخاوت را به آثار فردی و اجتماعی تقسیم نمود.

#### **۲.۱.۱.۱. آثار فردی سخاوت**

از جمله موارد زیر آثار فردی این صفت پسندیده می‌شود.

## ۱. آسانی مشکلات

کسی که سخاوتمندی و انفاق در راه خدا را پیشه‌ی خود نماید، خداوند نیز تحمل مشکلات را بر او آسان می‌کند:

«فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى... فَسُنِّيْرُهُ لِلْيُسْرَى وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى... فَسُنِّيْرُهُ لِلْعُسْرَى؛ 'أَمَّا أَنْ كَسَ كَه (در راه خدا) انفاق کند... ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم! اما کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی‌نیازی طلبد... بزودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم»

بر اساس این آیه‌ی شریفه، خداوند سخاوتمندان و انفاق‌گران را مشمول توفیقات خود گردانیده و پیمودن راه اطاعت و انفاق را بر آنها آسان می‌سازد، تا اینکه از مشکلات زندگی رهایی می‌یابند؛ اما خدای متعال از بخیلان سلب توفیق می‌نماید بنابراین پیمودن راه برای آنها مشکل می‌شود، لذا در دنیا و آخرت با سختی‌ها مواجه خواهند بود؛ پس انجام اعمال نیک برای افراد سخی، نشاط آور و روح افزا بوده ولی برای افراد بخیل، سخت و رنج آور می‌گردد.<sup>۱</sup>

## ۲. فزونی رزق و روزی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری بشر در هر زمانی تأمین نیازهای ضروری اش می‌باشد و این مسئله از ابتدای آفرینش همواره همراه انسان بوده و تا پایان عمر او نیز ادامه دارد. و همواره انسان‌ها علاقه‌مندند تا بدانند چه عواملی باعث تفاوت مالی میان آنها می‌شود و برای توسعه در روزی چه باید کرد، عالم خلقت بر اساس قانون علت و معلول آفریده شده و تمام ذرات آن با یکدیگر مرتبط هستند. زیباترین بیان در رابطه با علت‌های فقر و ثروت در سخنان عالمان دین آمده است. در آیات و روایات اهل بیت عوامل فراوانی را برای گشایش روزی و فقر و تنگدستی برشمرده‌اند، که یکی از آن عوامل سخاوتمندی است و یکی از آثار عجیبی که سخاوتمندی ذکر شده، فزونی در روزی بر اثر بخشش اموال در راه خداست:

---

۱. لیل (۹۲)، آیه ۷-۵۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، همان، ج ۲۷، ص ۷۶.

«قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»<sup>۱</sup> بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد توسعه می‌دهد و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد، و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.»

به این معنا که خداوند جایگزینی اموال بخشیده شده در دنیا و در آخرت را تضمین نموده است.<sup>۲</sup> بخشیدن از مال و دارایی، اگرچه به ظاهر از آن کاسته می‌شود ولی این کاستن توأم با رشد و فزونی می‌باشد. بخشیدن از مال رزق و روزی بخشنده را افزایش می‌دهد.<sup>۳</sup>

خداوند می‌فرماید: «حکایت آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند حکایت دانه ایست که هفتصد خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد دو برابر هم می‌کند که خدا وسعت بخش و داناست.»<sup>۴</sup>

این آیات، مؤمنین را ترغیب و تشویق به انفاق در راه خدا می‌نماید و در ابتدا جهت افزایش و برکت مالی که بخشش کنند مثالی می‌زند که یک درهم آن هفتصد درهم می‌شود چه بسا خداوند منان برکتش را افزون تر هم می‌کند.<sup>۵</sup> پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «کلید های روزی رو به عرش اند و خداوند روزی های مردم را به اندازه هزینه کردن هایشان در راه خدا فرو می‌فرستد پس هر که زیاد هزینه کند، روزی اش افزوده می‌شود.»<sup>۶</sup> از آیات قرآن و روایات معصومین (علیه

---

۱. سبأ (۳۴)، آیه ۳۹.

۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۴۰۲.

۳. عبدالله جوادی آملی، همان، ج ۹، ص ۶۷۰.

۴. بقره (۲)، آیه ۲۶۱.

۵. محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۲، ص ۵۸۷.

۶. علاء الدین علی متقی هندی، همان، ج ۶، ص ۳۵۰.

السلام) استفاده می شود که خداوند در برابر بخشش مؤمنان مقدار زیادی بر اموال آنان می افزاید و سبب استحکام بنای جامعه و موجب نزول برکات الهی می گردد.<sup>۱</sup>

### ۳. آرامش روح و روان

یکی دیگر از چیزهایی که می تواند آرامش روح و روان به دنبال داشته باشد جود و سخاوت‌مندی است، که این نوع آرامش هم اجتماعی است و هم فردی. این همه فسادها و بلاهایی که در جامعه غرب حاکم است یکی از عوامل نبودن، فرهنگ انفاق مال می باشد: اسراف در میان ثروتمندان برابر است با از بین رفتن امنیت روانی مردم فقیر و مستضعف. وقتی یک قسمت از جامعه در رنج باشد و همیشه در اندیشه و فکرشان ثروت و ثروتمندان را مورد حمله قرار می دهند، دچار اضطراب و افسردگی می شوند. این اضطراب آنها به طور ناخواسته آن گوشه از جامعه هم که در رفاه هستند را درگیر می کند.<sup>۲</sup>

از طرف دیگر برخی از رفتارهای آدمی کارکردهای چندگانه‌ای دارد. به این معنا که می‌تواند برای شخص و دیگران مفید و سازنده باشد. از جمله رفتارهایی که کارکردهای دوسویه ای برای انسان دارد، سخاوت است. انسان با سخاوت، هم به خود کمک می‌کند و هم به دیگری کمک رسانی می‌کند. سخاوت پاسخی به نیاز روانی شخص در مقام انسانیت و پاسخی به نیاز جسمی دیگری می‌باشد؛ البته این گونه نیست که انسان تنها با این کارش به نیاز جسمی دیگری کمک می‌کند، بلکه غیرمستقیم به نیازهای روانی نیز پاسخ می‌دهد؛ چرا که میان تن و روان آدمی ارتباط مستقیمی است.

---

۱. احمد محسنی گرگانی، زکات برای همه، قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۷۷، ص ۲۶۱ و ۲۳۵.

۲. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ترجمه ابو الحسن موسوی همدانی، ج ۲، تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۳.



انسان با کمک به دیگری گام بلندی در راه تخلق به اخلاق خدایی و پاسخ گویی به نیاز طبیعی و فطری خود بر می‌دارد؛ زیرا هر انسانی به طور طبیعی دوست دارد تا رحمت و محبت خویش را به دیگری نشان دهد تا این گونه خوی خدایی بودن خویش را نشان دهد؛ عدم پاسخ گویی به این روحیه می‌تواند انسان را در بحران قرار دهد و تعادل شخصیتی او را درهم ریزد. پس هر انسانی پیش از آنکه به نیاز دیگری پاسخ گفته باشد به نیاز طبیعی و فطری خود پاسخ می‌دهد.

سخاوت و بخشندگی، از جمله فضایل اخلاقی انسانی است که دوسویه به بخشنده و بخشیده شده کمک می‌کند و نیازهای روانی و عاطفی هر دو را این گونه پاسخ می‌دهد. البته احساسی که بخشنده در هنگام بخشش می‌کند بسیار بیشتر و قوی تر از احساسی است که بخشیده شده دارد. بخشنده، احساس می‌کند که جلوه‌ای از مهر و محبت الهی است؛ چنان که احساس نوعی کمال در خود دارد؛ چرا که کمال به او اجازه داده است تا بخشندگی کند.

در حالی که بخشیده شده احساس نوعی نقص در خود می‌کند. از این رو از بخشنده خواسته شده بی منت بخشش کند، زیرا احساس نقص و کمبودی که بخشیده شده در خود می‌یابد به اندازه کافی بر او فشار می‌آورد و منت گذاری می‌تواند او را تا سقوط پایین بکشد و زمینه را برای طغیان فراهم آورد؛ چرا که فشار مضاعف کمبود و منت می‌تواند او را به طغیان و پرخاش و دلخوری بکشاند و دیگر به خود اجازه ندهد تا بخشش دیگری را بپذیرد.

به هر حال، سخاوت و بخشندگی یک نیاز دوسویه است. اگر بخشیده شده با سخاوت بخشنده به مال و یا آسایشی می‌رسد، بخشنده به کمال و آرامشی دست می‌یابد پس نباید بخشندگی را تنها نیاز بخشیده شده دانست بلکه به یک معنا، نیاز عاطفی و آرامشی بخشنده است.<sup>۱</sup>

#### ۴. از بین رفتن حس دنیا طلبی

یکی از اموری که در اسلام از آن نکوهش شده، محبت دنیا برای خود دنیا است، محبت دنیا به خاطر خود آن، که دنیا محبوب بالذات شخص باشد، در اسلام مذموم است. و محبت بالعرض به دنیا، که دنیا محبوب بالعرض برای شخص شود و محبوب بالذات او رضای خدا یا نعیم و ثواب آخرت

باشد، مذموم نیست بلکه ممدوح است.<sup>۱</sup> محبت دنیا برای خود دنیا، منشأ هر گونه فتنه و فساد و بدی هاست از این روست که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا»<sup>۲</sup> مافوق هر گناه محبت دنیا است.»

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرمایند: «حُبُّ الدُّنْيَا أَصْلُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَأَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ»<sup>۳</sup> محبت دنیا ریشه ی تمامی معصیت ها و آغاز هر گناهی است.»

دنیا به گونه ای است که هیچ گاه انسان از آن سیر نمی شود و به هر مرتبه آن که می رسد، مراتب بالاتر را آرزو می کند؛ لذا همیشه احساس ناکامی دارد.

مهم ترین مانع گرایش به حق، همین دنیا طلبی است. امام علی (علیه السلام) در خطبه ی شششقیه درباره ی سه گروه قاسطین، ناکثین و مارقین می‌فرمایند: «دنیا در برابر چشمانشان زیور یافته بود و زرق و برقش آنان را فریفته بود.»<sup>۴</sup>

---

۱. جواد تهرانی، آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی، چاپ سوم، قم: انتشارات مؤسسه ی در راه حق، بی تا، ص ۱۲۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۳۱۵.

۳. ورام بن ابی فارس، مجموعه ورام، ج ۲، قم: مکتبه ی الفقیه، بی تا، ص ۱۲۱.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حسین انصاریان، چاپ دوم، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۶ ش، ص ۷۱۲.

این روایت بیان می کند که دنیا طلبی و محبت دنیا مانع از گرایش آن ها به حق و حقیقت شده و آن ها را به لجاجت و عناد وا داشته است.

امام علی (علیه السلام) در نامه ای به معاویه، دنیا دوستی او را انگیزه حق ستیزی او خوانده، و می فرماید:

«تو با انگیزه ی دنیا دوستی به تأویل قرآن پرداختی و با همکاری اهل شام مرا به آنچه دست و زبانم به آن آلوده نبود متهم کردی.»<sup>۱</sup>

آن حضرت در جایی دیگر می فرمایند: «حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَيُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ»<sup>۲</sup> حب دنیا عقل را فاسد می کند و گوش قلب را از شنیدن حکمت کر می سازد.

هر که دوست دنیا و عاشق جاه و مال دنیا است، عقل حقیقی و فطری او فاسد شود و دیگر به سخن حکمت الهیات مایل نباشد و به گفتار انبیاء و اولیاء گوش ندهد و همین عدم تمایل به سخنان حکیمانه و نشنیدن سخنان حق آنان، برای لجاجت کافست.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای از بین بردن این خصلت سفارش به نهادینه کردن صفت سخاوت در درون کرده است:

«دوستان خدا روی فطرت و از اصل خلقت سخی هستند. و سخاوت تعلق می گیرد به آنچه نزد بنده محبوب و مورد علاقه است. و از علائم سخاوت و شخص سخی آنکه هرگز در فکر آن نیست که مال دنیا نصیب که می شود، و کدام کسی مالک یا حاکم یا سلطان می شود، خواه آن ثروتمند و یا مالک و

---

۲. همان، نامه ۵۵، ص ۱۰۳۸.

۳. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ج ۱۲، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۱.

یا حاکم مسلمان و مؤمن باشند و یا کافر، معصیت کار باشند و یا مطیع و فرمانبردار، شخص شریف و عزیزی باشند و یا پست و شخص سخی دیگران را بر خود مقدم می‌شمارد، به دیگران اطعام می‌کند و خود گرسنه می‌ماند، دیگران را می‌پوشاند و خود احتیاج به لباس دارد، بذل و عطا می‌کند به دیگران و خود از قبول عطا امتناع می‌کند، و در مقام بذل و سخاء نه تنها منتی نهد بلکه خود ممنون می‌شود.<sup>۱</sup>

سخاوت مقابل بخل است، و بخل آنست که شخص بخیل نتواند دیگری را به حالت نعمت و ثروت و تشخص مادی و معنوی ببیند، تا برسد به آنکه خود احسان و انفاق و تعلیم و راهنمایی کند و سخاوت نیز مانند بخل مراتب مختلفی پیدا می‌کند. مانند انفاق مال، تعلیم علم، تربیت ادبی و اخلاقی، اعطاء شخصیت و عنوان، و هر گونه بذل و بخششی که بدون غرض انجام بگیرد. سخاوت هنگامی در وجود یک شخص پیدا می‌شود که ایمان کامل به پروردگار متعال و به قدرت و نفوذ و احاطه و علم او بدست آورده، و جهان و جهانیان را تحت فرمان و حکومت مطلق او ببیند.

انسان چون به این درجه ایمان رسید، قهراً امور دنیوی و مادیات در نظر او کوچک و بی‌ارزش شده، و بندگان خدا همه در چشم او محبوب و محترم واقع گشته، و مطلوب و مقصود او در سیر زندگی تحصیل کمال و قرب به خداوند متعال خواهد بود. اینست که بذل و بخشش و خیر خواهی و خدمت به نوع و دستگیری از بندگان خدا در نزد او بسیار پسندیده و مطلوب خواهد بود.<sup>۲</sup>

## ۵. سرکوب حسد درونی

---

۱. حسن مصطفوی، مصباح الشریعة، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش، ص ۲۲۰.

۳. حسن مصطفوی، همان، ص ۲۲۱.

یکی از امراض روحی و رذائل نفسانی که عبادت و عمل انسان را تباه می سازد حسادت است.

حسد عبارت است از آرزوی زوال نعمتی از دیگری تا همان نعمت به او داده شود.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ»<sup>۲</sup> آفت دین، حسد (رشک) و خود پسندی و فخر فروشی است.»

حسادت علاوه بر از بین بردن نیکی ها و ایمان، منشا بسیاری از گناهان از جمله لجابت و ستیزه جویی می شود. این صفت شوم و ناپسند صاحبش را وادار به انواع مخالفت ها و ستیزه جویی های پایدار می سازد و به قدری خطرناک است که باید از شر آن به پروردگار عالم پناه برد، و راه گذشت و اغماض در پیش گرفت.<sup>۳</sup>

قرآن مجید انگیزه اهل کتاب از مخالفت با مسلمین را حسادت می داند و در عین حال توصیه به عفو و گذشت و بخشش می نماید و چنین می فرماید: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ»؛ بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آنها ریشه دوانده دوست می داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر باز گردانند.» یعنی در واقع آن ها با این که اعتقاد داشتند پیامبر و مسلمانان حق هستند ولی به دلیل حسادتی که داشتند لجابت کرده و نه تنها ایمان نمی آورند بلکه می خواستند آن ها نیز دست از ایمان خود بردارند و کافر شوند. و در جایی

---

۱. جواد تهرانی، آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی، چاپ سوم، قم: انتشارات مؤسسه ی در راه حق، بی تا، ص ۲۳.

۲. حسین بن محمد حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۰۷.

۳. سایت تبیان، ۹۲/۹/۲۲، ساعت ۲۳، [www.tebyan.ir](http://www.tebyan.ir).

۴. بقره (۲)، آیه ۱۰۹.

دیگر می فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؟ أَلَا يَأْتِي حَسَدٌ مِنْهُمْ وَرَزَقَ نَسَبٌ مِنْهُمْ»<sup>۱</sup> آیا حسد می ورزند نسبت به مسلمانان بر آن چه خدا از فضلش به آنها عطا کرده است»

شخص حسود عملاً به حکمت خداوند که بخشنده اصلی این نعمت هاست معترض است و در مورد اعطای نعمت به دیگران از سوی خداوند ایراد دارد.<sup>۲</sup> از این رو حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که فرمودند:

«الْحَسَدُ أَصْلُهُ مِنْ عَمَى الْقَلْبِ وَ الْجُحُودِ بِفَضْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ هُمَا جَنَاحَانِ لِلْكَفْرِ وَ بِالْحَسَدِ وَقَعَ ابْنُ آدَمَ فِي حَسْرَةِ الْأَبَدِ وَ هَلَكَ مَهْلَكًا لَا يَنْجُو مِنْهُ أَبَدًا»<sup>۳</sup> حسد و بد خواهی از تاریکی قلب و کوردلی است و از انکار نعمت های خدا به افراد سرچشمه می گیرد و این (کوردلی و ایراد بر بخشش خدا) دو بال کفرند، به سبب حسد بود که فرزند آدم در حسرتی جاودانی فرو رفت و به هلاکتی افتاد که هرگز از آن رهایی نمی یابد»

هم چنین این حسد بود که سبب شد ابلیس بر آدم سجده نکند و منجر به لجاجت او در مقابل حق شود. پس به طور کلی می توان گفت حسادت در جسم و روح انسان اثر می گذارد، و بیماری اعصاب رنجوری، افسردگی و نگرانی را در پی دارد که یکی از راه های از بین بردن این رذیله اخلاقی بخشش و انفاق به هر نحوی به شخص مورد مخاطب است.

---

۱. نساء (۴)، آیه ۵۴.

۲. احمد فقیه نیریزی، انوار هدایت، چاپ اول، قم: امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۰، ص ۳۲۰.

۳. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ج ۲، قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸، ص ۱۸.

## ۶. دور شدن از مضرات بخل

هر یک از مراتب بخل آثاری دارد، که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم.

### ۶،۱. قرار گرفتن در زمره کافران

« الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

مُهِينًا؛<sup>۱</sup> آنها کسانی هستند که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل دعوت می‌کنند و آنچه را خداوند از

فضل و (رحمت) خود به آنها داده، کتمان می‌نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه

گرفته) و ما برای کافران، عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده‌ایم.»

### ۶،۲. بخل مایه خسارت خود انسان

« هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَ مَنْ يَبْخُلُ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَ اللَّهُ

الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ؛<sup>۲</sup> آری، شما همان گروهی

هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، بعضی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد،

نسبت به خود بخل کرده است و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید.» انسان‌های بخیل به خود

بخل می‌ورزند؛ چرا که از همان فقری که از آن می‌ترسند به واسطه بخل زودتر مبتلا می‌شوند و در

---

۱. نساء (۴)، آیه ۳۷.

۲. محمد (۴۷)، آیه ۳۸.

حالی که ثروت زیادی دارند نه غذای خوب می‌خورند و نه لباس خوب می‌پوشند و نه وسایل خوب برای زندگی خویش فراهم می‌کنند، این همان بخل‌ورزی به خویشتن است.<sup>۱</sup>

### ۶,۳. بخل، طوقی بر گردن بخیل در قیامت

« وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ<sup>۲</sup> » کسانی که بخل می‌ورزند و آنچه را خدا از فضل خویش به آنها داده، انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است، بلکه برای آنها شر است؛ بزودی در روز قیامت، آنچه نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افکنند.»

همانا اگر حرص‌ورزی و جمع‌آوری مال دنیا از حد خود تجاوز کند، همانند طوق آتشینی خواهد بود که نه تنها در آخرت، در همین دنیا نیز شراره‌های آن را از آه و سوز گرسنگان و نیازمندان می‌توان مشاهده نمود.

### ۶,۴. افساری برای کارهای زشت

صفت بخل همچون افساری است که انسان را به سوی اعمال زشت و ناپسند می‌کشاند. به عنوان مثال انگیزه اصلی تبهکاری و فحشای قوم لوط، بخل و تنگ چشمی آنان بوده است.<sup>۳</sup>

---

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، همان، ج ۲۲، ص ۹۹.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۱۸۰.

۳. عباس اسماعیلی یزدی، فرهنگ صفات، جمکران: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶، ص ۵۶۵.



حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بخل دربردارنده بدیهای هر عیبی است و افساری است که

(بخیل) به وسیله آن به سوی هر بدی کشانده می‌شود.»<sup>۱</sup>

## ۶,۵. از بین رفتن آبرو

شخص بخیل از آنجا که آبرو و اعتبار در نزد مردم را، زیادی مال و ثروت می‌داند با بخل‌ورزی

سعی در جمع کردن مال می‌کند، تا آبرویش حفظ شود، غافل از اینکه با این کار آبرویش را بر باد می-

دهد.<sup>۲</sup> حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

«بخیل آبروی خود را بیشتر از آنکه حفظ کند، از بین می‌برد.»<sup>۳</sup>

## ۶,۶. نداشتن دوست و رفیق

در دوستی و رفاقت، گذشتن از مال و کمک کردن در مواقع نیاز، لازم است و بخیل این خصلت را

ندارد، پس دوستی هم نخواهد داشت. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بخیل هیچ دوستی ندارد.»<sup>۴</sup>

## ۶,۷. بدبینی نسبت به پروردگار

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۳۰۷.

۲. رضا شریف زاده، بخل و آثار زیانبار آن، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۳۰۱ به تاریخ ۹۱/۶/۱۸، صفحه ۶.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۹۲.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۹۳.

کسی که نعمت‌ها را انبار می‌کند و از آن به شایستگی استفاده نمی‌کند، کفران نعمت کرده است. گاه این بخل درباره خودش است و نعمتی را در اختیار دارد و به کار نمی‌برد و گاه نسبت به دیگری است و آن نعمت را نه تنها به دیگری نمی‌دهد بلکه دیگران را نیز به بخل ورزی فرمان می‌دهد و تشویق می‌کند.<sup>۱</sup>

کسانی که نعمت‌های الهی را به شایستگی مورد استفاده قرار نمی‌دهند، در حقیقت به خداوند بدگمان هستند. امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره فرمود:

«حَسَبَ الْبُخِيلِ مِنْ بُخْلِهِ سُوءُ الظَّنِّ بِرَبِّهِ مَنْ أَيْقَنَ بِالْخُلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ»<sup>۲</sup> برای (گنه کار بودن) بخیل همین بس که به پروردگارش بدگمان است، کسی که به جایگزین شدن انفاق و بخشش از طرف خداوند یقین داشته باشد، نیکو بخشش می‌کند.»

آن حضرت همچنین با حالت سرزنش کنندگی می‌پرسد:

«اگر جایگزینی انفاق و بخشش از طرف خداوند حق است (که حق است)، پس بخل ورزیدن برای چه؟»

ولی شکی نیست که بخل به معنای مطلق امساک در انفاق مال، نشانه‌ای از کفران نعمت است؛ زیرا خداوند نعمت‌های زیادی را به انسان بخشیده تا با بهره‌مندی از آنها بتواند خود و دیگران را برای ابدیت بسازد. اگر انسان از عقل خویش بهره نبرد و در سفاهت و جهالت بماند و در حقیقت تعقل نورزد، کفران نعمت کرده است؛ زیرا خداوند عقل را داده تا انسان خدا و خود را بشناسد و حکمت و فلسفه زندگی خود را بیابد و به درستی در مسیر خدایی و ربانی شدن گام بردارد.

---

۱. محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۴، ص ۵۶۳.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۰، ص ۳۰۷.

بنابراین، بخل بدترین صفتی است که یک انسان ممکن است بدان گرفتار شود، همه چیز او از ایمان و عرض و مال و آبرو و دنیا و آخرت او را به تباهی می‌کشاند و او را در بدترین حالت قرار می‌دهد در حالی که نه خود سودی برده و نه به دیگران اجازه داده که از او سودی برند. اینگونه است که «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» می‌شود؛ چرا که به خداوندگاری و مالکیت خداوند<sup>۱</sup> و ربوبیت و پاداش و معاد و حساب و کتاب آخرت ایمان ندارد.<sup>۲</sup>

جهل و نادانی،<sup>۳</sup> ترس از تهیدستی و توهم آن،<sup>۴</sup> تکبر و تفاخر<sup>۵</sup> استغناطلبی و بی‌نیازی از خدا<sup>۶</sup> از مهمترین عوامل بخل ورزی انسان است که در آیات قرآنی بیان شده است. با عنایت خداوند، با ایمان به خدا، رزاقیت و احسان و فضل الهی و آخرت و معاد در مسیر درست فضیلت سخاوت قرار گیریم و از اعطا و بخشش و جود و کرم غافل نشویم.<sup>۷</sup>

## ۲،۱،۱،۲. آثار اجتماعی سخاوت

### ۱. سخاوت، کمند دوستی

خصلت سخاوت و بخشش، علاوه بر آنکه در حد ذات خود از خصال و اخلاق کریمه است و موجب بهره‌مندی مردم بینوا می‌شود، اصولاً این خلق و خو، فواید و آثار اجتماعی فراوان و ملموسی دارد؛ زیرا شخص کریم و سخاوتمند، محبوب و مورد علاقه مردم است و محبت به طور کلی در هر

---

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۸۰.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۱۸۰؛ محمد (۴۷)، آیات ۷۳ و ۸۳.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۱۸۰.

۴. اسراء (۱۷)، آیه ۱۰۰.

۵. نساء (۴)، آیات ۶۳ و ۷۳؛ حدید (۵۷)، آیات ۲۲ و ۴۲.

۶. لیل (۹۲)، آیه ۸.

۷. رضا شریف زاده، بخل و آثار زیانبار آن، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۳۰۱ به تاریخ ۹۱/۶/۱۸، صفحه ۶.

جامعه‌ای، مبدأ تفاهم ها و الفت ها می‌شود، بلکه چه بسیار که محبت و دوستی، نردبان پیشرفت و رسیدن شخص سخاوتمند و بخشش گر به ریاست و زعامت می‌گردد؛ یعنی انسان سخی و دست و دلباز از آن چنان محبوبیتی برخوردار می‌شود که مردم به سخنان او کاملاً توجه می‌کنند و از دستورات و فرمان هایش اطاعت می‌نمایند و همین امر - یعنی ریاست و زعامت شخص صالح و نیکوکار و بخششگر دست و دلباز - مبدأ بسیاری از خیرات و برکات برای جامعه می‌شود.<sup>۱</sup> امام صادق (علیه السلام) به مُعلّی می‌فرمود: «با صله و بخشش، علاقه و محبت مردم را به سوی خود جلب کن؛ زیرا خداوند عطا و بخشش را رمز مهر و محبت و تنگ نظری و بخل را کلید عداوت و دشمنی قرار داده است. به خدا سوگند! اینکه شما چیزی از من بخواهید و من آن را به شما بدهم، نزد من دوست داشتنی‌تر از آن است که چیزی از من نخواهید و من هم چیزی به شما ندهم و در نهایت، نسبت به من احساس کینه و دشمنی کنید.»<sup>۲</sup>

## ۲. وحدت و صمیمیت

انسان موجودی است اجتماعی و پویا که به منظور تأمین نیازهای جسمی، روحی و عاطفی همیشه با هموعان خود در حال تعامل است و بدون ارتباط با دیگران نمی‌تواند توانمندی های خویش را در جهت انجام وظایف فردی و اجتماعی توسعه دهد.

تمام انسان ها جهت تأمین نیاز به دلبستگی و ارتباط با هموعان به دنبال یافتن کسانی هستند که در کنار آنان احساس آرامش، آسایش و خوشبختی کنند، لذا اسلام به عنوان جامع ترین دین در جهت تحقق چنین هدفی آداب و ظرفیت های وسیعی را در نظر گرفته است و از تمام راهبردها و شیوه های

---

۱. سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰، <http://www.aviny.com>

۲. محمدرضا حسینی، مقاله ایجاد آرامش در زندگی فردی اجتماعی، ۱۳۹۳/۹/۱۰، ساعت ۱۲، <http://old.ido.ir>

شناختی و عاطفی مؤثر در امر هدایت و سعادت انسان ها استفاده می کند و در چارچوب دعوت به آموزه های نجات بخش، زمینه بالندگی، تعالی و شکوفایی فردی و اجتماعی انسان را فراهم نموده است. یکی از این موارد احسان و بخشش به هموعان است که موجب استحکام روابط و اتحاد مردم به یکدیگر می گردد، سخاوت انفاق و هدیه دادن به یکدیگر وحدت و محبت می آورد، و شخص سخاوتمند همیشه محبوب خدا و مردم می گردد.<sup>۱</sup>

### ۳. تکامل جامعه

در اسلام پیش از هر اندیشه و مکتب بشری و بیش از هر قانون گذاری برای رعایت و حمایت افراد درمانده اجتماع و تامین نیازهای مادی و معنوی آنها، کوشش به عمل آمده و قرآن و سنت و سایر منابع حقوق اسلامی سرشار از فرامین و رهنمودهای تامین کننده رفاه حال این طبقات درمانده ی جامعه است.

همیاریهای اجتماعی در حقوق اسلام بر دو پایه استوار است. اولاً: براساس جهان بینی خاص الهی و حمایت هموعان و احترام واقعی برای او بنا شده است. ثانیاً: بر پایه وحدت و پیوسته بودن جامعه اسلامی و جدا نبودن مصالح افراد از یکدیگر، که همچون حصاری نیرومند و یک پارچه، همه نگهبان و نگهدار یکدیگرند و وظیفه دارند که به نیازمندیهای یکدیگر همچون نیازها و احتیاجات خصوصی خود رسیدگی کنند، چرا که جامعه اسلامی بر اساس تعاون و همبستگی و همیاری بنا گردیده است. جامعه اسلامی یک واحد حقیقت بیش نیست و همه افراد آن اعضای یک اندامند و خیر و شر و نیک و بد هر یک از اعضا، به یک دیگر اعضای جامعه نیز سرایت می کند و شرط سلامت این اندام، اجرای اصل عدالت و مساوات و اصل مسئولیت متقابل و همیاری همگانی افراد است. به اقتضای اصل

---

۱. اسماعیل نساجی زواره، مقاله دوستی و تعامل با هموعان در سیره امام جواد (ع)، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰،

مسئولیت، فرد فرد این جامعه همچنان که مسئول حفظ حیات و رفاه خویش است مسئول دیگران نیز هست و باید در اندیشه ی غم و شادمانی دیگران نیز باشد. این جامعه همان است که خداوند آن را خانواده ی خود (عیال الله) دانسته است و بافت آن در سوز و ساز و فقر و غنا و بی نیازی و نیازمندی به هم گره خورده و آمیخته شده است. فرد جامعه اسلامی با تلاش و کوشش خود کار می کند و ثروت تولید می نماید و از آن بهره می گیرد و از فزونیهای آن به دیگر افراد جامعه بهره می رساند. مال، در حقوق اسلام قبل از آنکه صفت فردی داشته باشد، خصلت الهی و اجتماعی دارد و در قرآن یک جا از آن تعبیر به مال الله<sup>۱</sup> و در جای دیگر، تصرفات انسان در آن به عنوان خلیفه خدا، اطلاق گردیده است<sup>۲</sup> از این رو تمام زوایای حقوق و قوانین اسلام راهگشای تعدیل ثروتهای شخصی برای تامین تعادل و رسیدگی به وضع مادی و معنوی عموم مردم است.

در حقوق اسلام بیمه ها و همیاری های اجتماعی بر دو دسته است : دسته اول : همان است که بر عهده حکومت و دولت اسلامی است که هم چون زکات، خمس، خراج، جزیه و فیه، انفال، اموال بلا صاحب و سایر وجوهی که به صندوق دولت واریز می گردد و سایر مواردی که تفصیل آن در کتب فقهی و حقوقی آمده است. دسته دوم : از بیمه ها و همیاری های اجتماعی در اسلام، خدماتی است که توسط مؤمنین و تک تک افراد جامعه اسلامی، انجام می پذیرد و هر کس باید به اندازه وسع و توان خود، متکفل تامین نیازهای ضروری سایرین بشود و در حق آنها برادری و نیکی و همدردی کند. عناوین این دسته در قرآن و سنت و سایر منابع فقهی زیادند که صدقه، احسان، انفاق و ایثار از جمله آن است. بر این اساس است که از اموال و سود ثروتمندان کاسته می شود و به فقرا و نیازمندان می رسد و یا در مصالح کل جامعه مصرف می شود و ثروتها تعدیل می گردد و امکان اینکه ثروت ملی در دست عده ای متمرکز شود، منتفی گردد و روح برادری و صمیمیت در میان جامعه ایجاد می شود. بطور کلی، اسلام تلاش و حرکت برای محرومیت زدایی از جامعه را، یک وظیفه عمومی می داند و اندیشه

---

۱. نور (۲۴)، آیه ۳۵.

۲. «أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ؛ وَ از آنچه شما را نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید.»

مبارزه با فقر و کوشش در جهت سیر کردن شکم های گرسنه را یکی از اصول خود معرفی می نماید و کسانی را که در این مسیر گام بر نمی دارند، در شمار ضد انقلاب و مکذبین رسالت الهی، قرار می دهد. اسلام نه تنها می گوید باید به محرومین و مستضعفین با سخاوتمندی کمک گردد، بلکه می گوید باید دیگران را نیز به این کار دعوت کرد و بنای یک حرکت عمومی و همه جانبه را برای نابودی فقر و فلاکت پایه ریزی نمود و نهضت امدادگری و دستگیری از مستمندان و از پای ماندگان را ایجاد کرد. بر این اساس است که قرآن کریم، یکی از خصوصیت ضد انقلاب را ردع یتیم و بی تفاوتی نسبت به وضعیت و حال فقرا، مساکین و پابرهنگان، معرفی می کند و می فرماید:

«أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ الَّذِي يَدْعُو الْيَتِيمَ وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ؛<sup>۱</sup> آیا دیدی آن کس را که روز پاداش را دروغ می پنداشت و او همان کس است که یتیم را (از حق خویش منع می کند.»

کسی که ایمان به حقیقت اسلام آورده و عملاً ایمان خود را به ثبوت رسانده، غیر ممکن است که خود و دیگران را بی تفاوت به حل محرومان، بداند.

چون می داند با سخاوت فاصله طبقاتی جامعه را کم می کند و از این طریق ناهنجاریهای ناشی از فاصله طبقاتی را از بین می برد و یا کاهش می دهد. آتش کینه های محرومان را خاموش می کند و حس انتقامجویی را در آنان تضعیف می نماید و از این طریق پیوندهای اجتماعی را محکم و راه های تکامل جامعه را ایجاد می کند.<sup>۲</sup>

## ۲،۱،۲. آثار اخروی سخاوت

### ۲،۱،۲،۱. امنیت در قیامت

---

۱. ماعون (۱۰۷)، آیه ۳-۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، همان، ج ۲، ۳۹۶-۳۹۵.

قرآن کریم بعد از نقل جریان انفاق خالصانه‌ی اهل بیت (علیه السلام)، در ارتباط با نیت و هدف آن بزرگواران می‌فرماید:

«...إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا؛<sup>۱</sup> ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است! (بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شر آن روز ننگه می‌دارد و آنها را می‌پذیرد، در حالی که غرق شادی و سرورند!»

«وقایه» به معنی حفظ کردن و جلوگیری کردن از اذیت است به این معنا که خداوند، اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به دلیل سخاوت در انفاق و نیتی که داشتند، حفظ فرموده و شر آن روز را از آنان منع نموده است.<sup>۲</sup>

## ۲،۱،۲،۲. نیل به رحمت الهی

سخاوت‌مندی موجب می‌شود که انسان، مشمول رحمت بی‌انتهاء خداوند گردد:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛<sup>۳</sup> هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است.»

مفسرین در معنی «بر» اختلاف دارند، برخی آن را به بهشت، برخی دیگر به طاعت و تقوی...، که به نظر می‌رسد تعبیر به رحمت خداوند جامع این معانی باشد، چرا که «بر» کلمه‌ای است که جامع تمام صفات خیر است.<sup>۴</sup>

## ۲،۱،۲،۳. سعادت ابدی

---

۱. انسان (۷۶)، آیه ۹ - ۱۰.

۲. محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۲۴ق، ص ۴۸۲.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۹۲.

۴. محمدحسین فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، چاپ دوم، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴۸.



عمده ترین اثر بخشش و رسیدگی به امور نیازمندان واقعی، خیر و سعادت ابدی و عاقبت و فرجام نیک و شایسته ای است که نصیب انسان های خیر و نیکوکار خواهد شد. زندگی در این دنیا، زودگذر و موقتی است خوبی ها و بدی ها، تلخی ها و شیرینی های آن نیز پایدار و همیشگی نخواهد بود، آنچه که مهم است حیات پس از مرگ است که لذت های آن علاوه بر این که جاوید و همیشگی است از لحاظ سود و بهره نیز با لذت های دنیا قابل مقایسه نخواهد بود. رنج، عذاب و گرفتاری هایش نیز نه از حیث مدت و زمان و نه از لحاظ شدت و طاقت فرسایی؛ با تلخی ها و گرفتاری دنیا قابل مقایسه نیست.

فضل و رحمت یاد شده و خیر و سعادت ابدی، نصیب انسان هایی می شود که احکام اسلامی را در زندگی خود رعایت کرده و از مال و دارایی خود، برای رضای خدا و کمک به نیازمندان، انفاق می نمایند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این فرد سخاوتمند با اعمال نیک و کارهای خیر موجب می گردد تا نیازمندی های فردی و اجتماعی مردم را رفع نماید بنابراین طبق فرمایشات خدا و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) پادشاهای فراوانی نصیبش می گردد و سعادت ابدی را بدست می آورد که همان خشنودی و رضای خداوند و دریافت بهشت است.<sup>۲</sup>

## ۲،۱،۲،۴. آمرزش گناهان و نجات از جهنم

---

۱. مقاله آثار انفاق در جامعه، ساعت ۱۲، ۱۱/۸/۱۳۹۳، <http://www.tebyan.net>

۲. مقاله سخاوت و بخشندگی از دیدگاه قرآن و سنت، ساعت ۱۲، ۱۱/۸/۱۳۹۳،

<http://vaislamah.com>

از آثار بسیار مهم سخاوت آمرزش گناهان و جلب رضای خدا و رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و نجات از عذاب الهی است خداوند می فرماید: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۱</sup> کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می کنند و به دنبال آن منتی نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداششان نزد پروردگارشان است (و اندازه اجرشان را کسی جز خدا نمی داند) و نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین خواهند شد.» و نیز حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «عن عدی بن حاتم أن رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قال: اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ»<sup>۲</sup> حضرت عدی بن حاتم روایت می کند رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: خودتان را از دوزخ نجات دهید اگر چه با انفاق نیم دانه خرما باشد.»

## ۲,۲. راه های کسب سخاوت

به طور کلی می توان با ملاحظه ی اخبار و احادیث معتبر راهکارهای علمی و عملی برای مزین شدن به سخاوتمندی ذکر نمود که ما در ادامه، ابتدا به بعضی راهکارهای علمی اشاره کرده و سپس به راهکارهای عملی می پردازیم:

### ۲,۲,۱. راههای علمی

---

۱. بقره (۲)، آیه ۲۶۲.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام)، ج ۴، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱۳.

این فضیلت اخلاقی مانند سایر فضایل، با تعلیم و تربیت و اندیشه و تفکر و تمرین و ممارست حاصل می شود.

توجه به این حقیقت که این اموال و ثروت ها، امانت های الهی در دست ماست و هیچ کدام دوام و بقایی ندارد، انسان را وادار می دارد با بذل و بخشش، آن را در صندوق امانت الهی، برای روزی که دستها خالی است، ذخیره کند. همچنین دقت در آثار و برکات و پیامدهای مهمی که برای «سخاوت» در مطالب قبل ذکر شد، مشوق مؤثری در امر «سخاوت» است.

مطالعه تاریخ زندگی سخاوتمندان و بخیلان و مقایسه آن دو با یکدیگر و دانستن آثار زیانبار بخل و احترام و آبرو و شخصیتی که گروه اول داشتند و ذلت و بدنامی که دامنگیر گروه دوم بوده است نیز در ایجاد این «سخاوت اخلاقی» بسیار مؤثر است.

## **۲,۲,۱. راههای عملی**

اما از نظر عملی، هر قدر تمرین و ممارست بیشتری در این زمینه شود، توفیق زیادتری در به دست آوردن این فضیلت اخلاقی حاصل می گردد، زیرا تکرار اعمال سخاوتمندانه و بذل و بخشش، هر چند از راه تحمیل بر نفس خویش باشد، به تدریج به صورت عادت و سپس مبدل به حالت، و سرانجام به یک ملکه اخلاقی مبدل خواهد گردید.

در ضمن، تربیت پدر و مادر و معلم و استاد در این زمینه، بسیار مؤثر است. اگر آنها کودکان را از آغاز عمر به «جود» و «سخاوت» عادت دهند، این ملکه، به آسانی در وجود آنها ریشه می دواند و در بزرگی جزء زندگی آنان می شود.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند که خداوند فرمود: «انی جواد کریم لا یجاورنی لئیم؛<sup>۲</sup> من بخشنده با سخاوت، افراد پست و بخیل نمی توانند در جوار من (در بهشت) جای بگیرند.»

در حدیث دیگری از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «طَعَامُ الْجَوَادِ دَوَاءٌ وَ طَعَامُ الْبَخِيلِ دَاءٌ؛<sup>۳</sup> طعام سخاوتمند، دواست و طعام بخیل، درد و بیماری است.»

یکی از عارفان به نام «ابن سماک»<sup>۴</sup> می گوید: «عجبت لمن یشتري الممالیک بماله ولا یشتري الاحرار بمعروفه؛<sup>۵</sup> در شگفتم! از کسانی که بردگان را با مال خود خریداری می کنند، ولی آزاده ها را با احسان و نیکی، در بند محبت خود در نمی آورند.»

با توجه به آنچه ذکر شد می توان گفت آثار دنیوی و اخروی سخاوت عبارتند از: آسانی مشکلات، فزونی رزق و روزی، تکامل جامعه، وحدت و صمیمیت، کمند دوستی، آرامش روح و روان، امنیت در قیامت، نیل به رحمت الهی و سعادت ابدی.

---

۱. علیرضا شعاعی، سخاوت و بخشش آرامشی برای خود، آسایشی برای دیگران، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۱۸۶ به تاریخ ۹۱/۱/۲۹، صفحه ۶.

۲. عبد الله بن نور الله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، محقق محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، ج ۲۰، قم: مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۱۳ ق، ص ۸۰۰.

۳. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۴. «ابن سماک» در قرن دوم هجری در دوران حکومت هارون الرشید زندگی می کرد و در سال ۱۸۳ ه ق در کوفه درگذشت (ر.ج. عباس قمی، سفینه البحار، قم: دارالاسوه، ۱۳۸۰، ماده سمک).

۵. همان، ص ۶۵.

از جمله راه های علمی و عملی ایجاد این فضیلت اخلاقی، با تعلیم و تربیت و اندیشه و تفکر و تمرین و ممارست، توجه به این حقیقت که این اموال و ثروت ها، امانت های الهی در دست ماست و هیچ کدام دوام و بقایی ندارد، و مطالعه تاریخ زندگی سخاوتمندان و بخیلان و مقایسه آن دو با یکدیگر و دانستن آثار زیانبار بخل و احترام و آبرو و شخصیتی که گروه اول داشتند و ذلت و بد نامی که دامنگیر گروه دوم بوده است نیز تربیت پدر و مادر و معلم و استاد در این زمینه، در ایجاد این «سخاوت اخلاقی» بسیار مؤثر است.

## نتیجه گیری

سخاوت از مهمترین کمالات انسانی و عالیترین فضایل اخلاقی و شایسته ترین اعمال بشری است که در طول تاریخ بشریت از بارزترین صفات پیامبران و دوستان الهی بوده است.

کسب روحیه «سخاوت» یا «بخشش» نشان بیرون رفتن از تنگناهای تاریک خودخواهی و خودپایی و قرار گرفتن بر قله بلند و دیگر دوستی است و انسان سخاوتمند و بخشنده کسی است که دلبستگی بسیار به مال و ثروت خود ندارد و بر اثر تمرین و توفیق، امیر مال خویش است نه اسیر آن.

بخشندگی نقطه مقابل بخل و وابستگی و نماد بهره مندی از صفات پسندیده انسانی است. صاحبان احسان و سخاوت، مجموعه دارایی های ظاهری و باطنی؛ مادی و معنوی خویش را «ملک» خود نمی دانند و خود را «مالک» آنها نمی شمرند، بلکه «امانت دار» می دانند که باید به خوبی از داده های مالک اصلی مواظبت کنند و آنها را به نیازمندان و مستحقان واقعی بپردازند.

قرآن کریم برای هدفمند کردن انفاق و سخاوتمندی های افراد جامعه و دوری از افراط و تفریط و بهره مندی صحیح از اموال و دارایی ها، قوانین و آدابی از جمله اخلاص، تقوا، تجرد از منت، اعتدال،

بخشش از پاک‌ترین و بهترین قسمت مال و تسریع در انفاق را قرار داده است که اگر سخاوتمندی، بر اساس آداب و شرایط اسلامی که بیان شده، انجام پذیرد دارای آثار مثبت دنیوی و اخروی از جمله: آسانی مشکلات، فزونی رزق و روزی، تکامل جامعه، وحدت و صمیمیت، کمند دوستی، آرامش روح و روان، امنیت در قیامت، نیل به رحمت الهی، سعادت ابدی، خروج از پناه الهی را به دنبال دارد.

تعلیم و تربیت و اندیشه و تفکر و تمرین و ممارست، توجه به این حقیقت که این اموال و ثروت‌ها، امانت‌های الهی در دست ماست و هیچ کدام دوام و بقایی ندارد، و مطالعه تاریخ زندگی سخاوتمندان و بخیلان و مقایسه آن دو با یکدیگر و دانستن آثار زیانبار بخل و احترام و آبرو و شخصیتی که گروه اول داشتند و ذلت و بدنامی که دامنگیر گروه دوم بوده است نیز تربیت پدر و مادر و معلم و استاد در این زمینه، از جمله راه‌های علمی و عملی ایجاد این فضیلت اخلاقی هستند.

## منابع

▪ قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

▪ نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان.

## کتاب فارسی

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

۴. -----، علل الشرایع، محمد جواد ذهنی تهرانی، ج ۱، قم: مومنین، ۱۳۸۰

۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، احمد جنتی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی،

۱۳۸۷،

۶. جواد آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۹، چاپ هفتم، قم: اسراء، ۱۳۸۶

۷. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، ج ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، ۱۳۸۰،

۸. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، ترجمه عبدالحسین رضایی، ج ۱، چاپ سوم، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۷.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاظ القرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴.

۱۰. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۱۲.

۱۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، چاپ بیست و پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴.

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، ج ۲، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱۳. طیب، عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، ج ۱۴، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ ش.

۱۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد، تقی عزیز الله عطاردی قوچانی، ایمان و کفر (ترجمه الإیمان و الکفر بحار الأنوار)، ج ۲، تهران: انتشارات عطارد، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. محسنی گرگانی، احمد، زکات برای همه، قم: پیام مهدی (عج)، ۱۳۷۷.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۸، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۶.

۱۷. -----، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۰ ش.

۱۸. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا، ۱۳۶۷.

۱۹. -----، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، ج ۱۸، چاپ هشتم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۱.

۲۰. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، محمد رضا عطایی، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.

## کتاب عربی

۲۱. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن ہبہ اللہ، شرح نہج البلاغۃ لابن أبی الحدید، محمد ابوالفضل ابراہیم، ج ۱۹، قم: مکتبۃ آیۃ اللہ المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. ابن بابویہ، محمد بن علی، الخصال، جعفری، ج ۱، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲

۲۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

۲۴. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۳، چاپ اول، بیروت: موسسۃ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۴ ق.

۲۵. بحرانی اصفہانی، عبد اللہ بن نور اللہ، عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زہرا تا امام جواد علیہم السلام)، محقق محمد باقر موحد ابطحی اصفہانی، ج ۲۰، قم: مؤسسۃ الإمام المہدی عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف، ۱۴۱۳ ق.

۲۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم ودررالحکم، محقق: درایتی، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶

۲۷. جزائری تستری، عبد اللہ بن نورالدین، التحفۃ السنیۃ فی شرح النخبۃ المحسنیۃ، بی جا: بی تا.

۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۃ، ج ۹، قم: مؤسسۃ آل البيت (علیہم السلام).

۲۹. -----، الجواهر السنیۃ فی الأحادیث القدسیۃ، چاپ سوم، تہران: انتشارات دہقان، ۱۳۸۰ ش.

۳۰. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب، ج ۹، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۹۱.

۳۱. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزہۃ الناظر و تنبیہ الخاطر، قم: مدرسۃ الإمام المہدی عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف، ۱۴۰۸ ق.



٣٢. حلى، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر، العدد القويّة لدفع المخاوف اليومية، مهدى رجائي، و محمود مرعشى، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ١٤٠٨ ق.

٣٣. سبزواري نجفى، محمد بن حبيب الله، الجديد فى تفسير القرآن المجيد، ج١، بيروت: دارالتعارف، ١٤٠٦ ق.

٣٤. شاذلى، سيد بن قطب بن ابراهيم، فى ظلال القرآن، ج٦، بيروت: دارالشروق، ١٤١٢

٣٥. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق محمدجواد بلاغى، ج٢، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢ ش.

٣٦. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تحقيق سيداحمد حسيني، ج١، چاپ سوم، تهران: كتابفروشى مرتضوى، ١٣٧٥ ش.

٣٧. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق احمد قصير عاملى، ج٨، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.

٣٨. عروسى حويزى، عبد على بن جمعة، تفسير نور الثقلين، ج٣، چاپ چهارم، هاشم رسولى محلاتى، قم: انتشارات اسماعيليان، ١٤١٥ ق.

٣٩. فضل الله، محمدحسين، تفسير من وحي القرآن، ج٦، چاپ دوم، بيروت: دارالملاك، ١٤١٩ ق.

٤٠. متقى هندی، علاء الدين على، كنز العمال، ج٦، چاپ پنجم، بيروت: موسسه الرساله، بى تا.

٤١. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار، ج٥٢، چاپ دوم، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٣ ق.

۴۲. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: چ بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۰،

۴۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ ق.

۴۴. مفید، محمدبن محمد، الاختصاص، علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر

العالمی لافیه الشیخ مفید، ۱۴۱۳.

۴۵. موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی زیر نظر آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ

فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج ۳، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷.

۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (علیهم

السلام)، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.

## مقالات و سایت ها

۴۷. پناهنده، مریم، «مقاله از هر دست بدی با همون دست می گیری»، ساعت ۱۲،

<http://www.tebyan.net>، ۱۳۹۳/۸/۱۱

۴۸. حبیبی تبار، جواد، «مقاله راه خودسازی»، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰،

<http://najafabadnews.ir>.

۴۹. حسینی، محمدرضا، «مقاله ایجاد آرامش در زندگی فردی اجتماعی»، ساعت ۱۲،

<http://old.ido.ir>، ۱۳۹۳/۹/۱۰.

۵۰. «سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید آوینی»، <http://www.aviny.com>

۵۱. شریف زاده، رضا، «مقاله بخل و آثار زیانبار آن»، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۳۰۱ به تاریخ ۹۱/۶/۱۸.

۵۲. شعاعی، علیرضا، «سخاوت و بخشش آرامشی برای خود»، آسایشی برای دیگران، روزنامه کیهان، شماره ۲۰۱۸۶ به تاریخ ۹۱/۱/۲۹.

۵۳. محدثی، جواد، «مقاله آداب مهمانی»، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱،

[www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

۵۴. مهدوی، ابوالحسن، سخنرانی در مورد سخاوت، جلسه اول، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱،

<http://sa-mahdavi.blogfa.com>

۵۵. محمدی اشتهاردی، محمد، مقاله اعتدال در انفاق و مصرف، مجله پاسدار اسلام، ش ۲۲۳، ۱۳۷۹.

۵۶. مهدوی، ابوالحسن، «مقاله سخاوت»، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۸، <http://www.sa-mahdavi.blogfa.com>

[www.mahdavi.blogfa.com](http://www.mahdavi.blogfa.com)

۵۷. «مقاله آثار انفاق در جامعه»، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱، <http://www.tebyan.net>

۵۸. «مقاله سخاوت از دیدگاه اسلام و قرآن»، ۱۰ صبح، ۱۳۹۳/۱۱/۱۰،

<http://www.oldtebyan-tehran.com>

۵۹. «مقاله سخاوت و جایگاه سخاوتمندان در احادیث و روایات»، ۱۳۹۳/۹/۱۰،

ساعت ۱۲:۳۰، <http://rasekhoon.net>

۶۰. «مقاله سخاوت و بخشندگی از دیدگاه قرآن و سنت»، ساعت ۱۲، ۱۳۹۳/۸/۱۱،

<http://vaislamah.com>

۶۱. «مقاله پرهیز از اولین گناه مجله گلبرگ»، دی ۱۳۷۹، ش ۱۰، <http://www.hawzah.net>

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.